

# ماهنامه زرتشتی

THE ZOROASTRIAN JOURNAL



موزه سنکی هگمتانه اشک ریخت!  
سیمای زنان ایرانی در صورتهای زنان خاور دور  
ایزدی ها : باورها ، آیین ها و زندگی شان  
و ...

Design by: Keikhosrow Yektahi

پاییز 3753 زرتشتی 1394 خورشیدی 2015 میلادی  
نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا شماره ۲۶

# چشمن مهرگان

## یادداشت سردبیر

سخن دست

در یکی از این مهمانیهای تابستانی در بین گروهی، فردی که با زیبایی ویژه ای فارسی حرف می زد خود را واستر معرفی کرد و پس از احوالپرسی و گپ زدن از او پرسیدم که آیا نام شما پارسی است؟ او گفت آری نام کامل من ایسدواستر می باشد که نام یکی از فرزندان زرتشت پیامبر بزرگ آریایی می باشد. با شگفتی از او پرسیدم پس شما زرتشتی هستید و او گفت خیر، بنده مسلمان زاده هستم و ما ۶ برادر هستیم که نام همگی ما را مادرمان از شاهنامه و یا گاتها برگزیده است. او میگفت ما اهل خوزستان هستیم و مادرم دلبستگی ویژه ای به شاهنامه و نیاکامان دارد و به یاد دارم که همواره سر سفره هفت سین ما کتاب شاهنامه می گذاشتیم. او می گفت من خودم ۳ فرزند دارم که نام آنها را هم من و همسر از شاهنامه برگزیده ایم.

این مرد (ایسدواستر) میگفت: من همواره با فرزندانم درباره گذشته پرافتخار و نیاکان و تمدن بزرگ ایران صحبت می کنم. او با شگفتی بخشهایی از گاتها زرتشت (سرودهای زرتشت) را از بر بود. همچنین مرتب می گفت که نیاکامان درخشان ترین فرهنگها را پیش از همه آفریده بودند. ناتوانی و شیون و گریه را گناه می شمردند و ایرانیان سرزمینی سرشار از شادی و جشن های گوناگون داشته. پیش خود فکر کردم که هنوز بسیاری از ایرانیان آزاد هستند که برآستی پاسداران آیین و فرهنگ هایمان می باشند. زرتشت این فرزند بزرگوار ایران زمین که جهان به او می بالد، پیامبر یست ارجمند که آیین فرخنده او بر پایه منش و گفتار و کردار نیک استوار شده است و انسانها از فروغ اندیشه اش بر تاریکی ها چیره میگردند. سرودهای ورجاوند گا تها و شاهنامه که در پروردگی زبان و ادب و پرورش اندیشه، بی همتاست برای ما ایرانیان یادگار پر ارزشی از فرهنگ دیرین و تمدن نیاکامان میباشد و آموزشهای اخلاقی آن یادآور بزرگی ها و بزرگواریهای پارسایان و دلیران ایران میباشد.

ارج نهادن به تمامی آیین ها و سنتهای گذشته و جشنها و شادیهای نیاکامان از ویژگیهای ایرانیان آزاد ه و نیکو سرشت است. برگزاری هر چه باشکوهتر جشن نوروز و مهرگان و دیگر جشنهای ایرانی را که بر پایه نیکی و درستی و احترام به طبیعت است را از یاد نبریم. پس بیایید از کسانی شویم که این زندگانی را تازه می کنند و از راه راستی، همه یکپارچه و هم اندیشه شویم. این چنین باد که آرزو داریم.



ماه نامه زرتشتی  
فرهنگی، دینی، خبری، اجتماعی، پژوهشی و ادبی

- پاییز ۳۷۵۳ دینی زرتشتی، برابر ۱۳۹۴ اسلامی خورشیدی و برابر با ۲۰۱۵ میلادی
- شماره ۲۶، ۵ هزار تا
- سردبیر: مهرداد ماندگاری
- دستیار سردبیر: نسرین اردیبهشتی
- زیر نگر: گروه انتشار مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و انجمن مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا
- زمان انتشار: هم اکنون، هر ۶ ماه یک بار
- رایانه: رامین شهریاری
- طراحی و صفحه آرایی: کیخسرو یکتاهی
- تایپ: فریبا کیان زاد
- چاپ: LA WEB PRESS
- همکاران گروه انتشار: شهروز آش، موبد بهرام دبو، دکتر نیاز کسروی، نسرین اردیبهشتی، مهرداد ماندگاری
- دیگر همکاران که ما را در این شماره یاری داده اند: منیژه ملکی، نسرین اردیبهشتی، کورش نیکنام، پیام پورجاماسب، فریده غیبی، میثم اسدی، بوذرجمهر پرخیده، شهاب ستوده نژاد، مسعود ایمانی
- با سپاس از تارنمای امرداد
- ماهنامه زرتشتیان وابسته به مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از همه نویسندگان نوشتار می پذیرد.
- نوشتارها می بایست با خط خوانا نوشته شده باشند.
- گروه انتشار در ویرایش و کوتاه کردن نوشته ها آزاد است و نوشتارهای رسیده باز گردانده نمی شوند.
- نگر ها و پیشنهادهای نویسندگان در نوشته ها رأی و نگر ماهنامه زرتشتیان و یا مرکز زرتشتیان نمی باشند.
- تلفن و آدرس دفتر ماهنامه

714 - 893 - 4737  
8952 Hazard Ave Westminster, CA 92683  
Fax: 714 - 894 - 9577  
Email: info@czcjournal.org

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از شما درخواست می کند  
که نوشتارها، فرتورها (عکس) و پیشنهادهای خود را به نشانی  
info@czcjournal.org  
برای نشریه مرکز بفرستید. نوشتارها و  
فرتورهای برگزیده با نام فرستنده چاپ خواهد شد.  
در تارنمای  
www.czcjournal.org  
میتوانید نشریه های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را ببینید.

ماهنامه زرتشتیان  
آگهی می پذیرد  
۷۱۴-۸۹۳-۴۷۳۷

به دماوند تو سوگند  
که گر بشگافند بندم از بند  
ببیند که فریاد از توست  
همه اجزایم با مهر تو آمیخته است  
همه ذراتم با عشق تو آمیخته باد  
خون پاکی که در آن عشق تو می جوشد وبس  
ای وطن تا تو آزاد بمانی به وطن ریخته باد.

از: فریدون مشیری

آسمانت که فروغ رخ زرتشت از آن گل کرده است  
آسمانت که ز خمخانه حافظ قدحی پر کرده است  
بوستانت کز نسیم نفس سعدی جان پرورده است  
کوهسارت که بر آن همت فردوسی پر گسترده است  
همزبانان من اند.

مردم خوب تو، این دل به تو پرداختگان  
سر و جان باختگان، غیر تو شناختگان  
پیش شمشیر بلا، سینه سپر ساختگان

مهربانان من اند.

# جشن مهرگان

از: منیژه ملکی

خسروا شهبای عمرت روز باد  
مهرگان ملک تو نوروز باد  
رای نورانی تو خورشیدوار  
در جهان عدل، ملک افروز باد  
«مسعود سعد سلمان»

مهرگان و نوروز دو جشن طبیعی و فصلی ایرانیان از روزگاران کهن بوده است. روزگاری مهرگان جشن سال نو بود. زمانی نیز به ویژه از آغاز دوران ساسانیان نوروز جشن سال نو بود به همین دلیل بسیاری از مراسم این دو عید بزرگ ملی و مذهبی همانندی و یکسانی دارند. جشن مهرگان در روزی از ماه مهر است که روز و ماه مهر همنام می شوند ( یعنی در ایران باستان هر روز از روزهای هر ماه نامی داشته است که یکی از روزهای هر ماه به نام همان ماه یکی بوده است و روز ۱۶ ماه مهر نیز همنام ماه مهر یعنی مهر نامیده میشود). نام مهرگان از ایزدمهر است و ایزد مهر نام خداوندی است که در زمانهای بسیار کهن میان آریاییها مورد پرستش بود. اولین بار در زمان سانسکریت ( قبل از زبان اوستایی ) از ایزد مهر نام برده شده است. نیز در نوشته های اوستایی در بخش یشت اوستا بخش بلندی در مورد ایزد مهر است. پس در می یابیم که ایزد مهر در زندگی آریایی ها چه نقش می توانسته داشته باشد؟ پاسخ اینکه زندگی نیاکان آریایی ما زندگی گله داری و کشاورزی بوده است و مردم اصیل آریایی به خاطر تابندگی خورشید و فراوانی نعمت و به ثمر رسیدن محصول و... ایزد مهر را ستایش می کردند و در قالب جشن مهرگان مراتب سپاسگزاری خود را از این ایزد به جا می اورند.

## پیشینه جشن مهرگان:

از جنبه تاریخی و تحقیقی برای دریافتن آغاز رواج گسترده این جشن باید به هزاره های پیشین برگردیم. به آغاز شاهنشاهی هخامنشیان که شروع سال در آن زمان در پاییز بود نه بهار. این آغاز سال در زمان داریوش بزرگ بهتر خودش را نشان می دهد. هخامنشیان سالنما به کار می بردند. در آن زمان یک سال ۱۲ ماه بود و هر ماه درست ۳۰ روز ولی ۵ روز افزوده به نام پنجه بهیزگ در پایان

## نام مهرگان :

مشهورترین نسبت، نسبت این جشن است به مهر یا میترا ( ایزد بزرگ آریایی ) نام ۱۶ هر ماه نامزد است به مهر. در نتیجه در ماه مهر و روز مهر (۱۶ مهرماه) ماه ایزدان می باشد که مورد ستایش آریایی های هند و ایرانی قبل از زرتشت بوده است و ایزد نور و پرتو خورشید شناخته میشود است.

در دوران هخامنشیان مهر از اعتبار و مقامی بس والا بر خوردار بود و با شکوهرتین جشن ها جشن مهرگان محسوب می گشت. از جالب ترین مراسم این جشن سفره مهرگانی است که متاسفانه امروزه این مراسم را به فراموشی و نابودی است. که این دو

ضحاک توسط کاوه  
آهنگر مشهورترین  
علت است  
که هر  
ساله  
این

یک شکل باقی مانده و دوام آورده است.

## زمان مهرگان:

به موجب تقویم اوستایی زمانی سال به دو فصل ( تابستان بزرگ و زمستان بزرگ ) تقسیم میشود و مهرگان در آغاز زمستان بزرگ بود. در روزگار ساسانیان یا قبل از آن، از این دو فصل نامساوی ۴ فصل مساوی پدید آوردند که تا امروز نیز دوام آورده است. شامل وهار(بهار) وهامین(تابستان) و پاییز و زمستان.

نوروز آغاز بهار و مهر آغاز پاییز است که در این هنگام ایرانیان ۲ جشن بزرگ ملی خود را برگزار می کردند با مراسم و آدابی مشترک و هر دو جشن از عظمت و اعتبار برخوردار بود و نمیتوانستند یکی را بر دیگری برتری دهند. بی گمان جشن اصلی مهرگان در هنگام طبیعی اش در مقارنه

با نوروز باید  
آغاز پاییز و  
اول مهر  
باشد  
ولی

چون

روز ۱۶

ماه مهر نیز

روز مهر است

در نتیجه به دلیل

همنام شدن نام روز و نام

ماه جشن اصلی را در این روز

می گرفته اند.

## مهرگان در دوران هخامنشی و ساسانی:

به واسطه اخبار مورخان یونانی و رومی از جشن مهرگان تحت عنوان جشن میتراکانا یاد شده است که در این جشن روحانیان میتراپی که مغان خوانده می شدند در جلو حرکت می کردند. و مومنان و گروه تماشاچیان و بدرقه کنندگان به دنبالشان. در این مراسم شادی و پایکوبی فراوان برقرار بود. تزیاس که در حدود ۳۹۰ سال قبل از میلاد در باره هخامنشیان

از لحاظ آداب و رسوم و طول روزها ( همانطور که نوروز بزرگ و کوچک یا نوروز خاصه و عامه وجود داشته مهرگان بزرگ و کوچک نیز برگزار میشد ) با هم مشابتهایی را دارا بود.

در هر حال جشن مهرگان جشن نو پایی نیست که با تقویم اوستایی و برقراری و رواج آن در دوران هخامنشیان پدید آمده باشد و بسیار کهن است ولی از دوران هخامنشیان تا کنون به

نوشته هایی دارد نقل کرده که شاهان هیچگاه مست نمی شدند و در باده خواری افراط نمی کردند مگر در جشن میتراکانا که ردای ویژه ارغوانی می پوشیدند و در سرور عمومی شرکت می کردند. شاهان و بزرگان به نام میترا سوگند می خوردند. دو رسم عمده مهرگان و نوروز بارعام دادن و اهدای هدایای مردم به پادشاه و وصول خراج و مالیات بوده است. همان دفتر و دفتردار و حساب و کتابی که در ثبت و ضبط هدایای بزرگان و مردم در نوروز بر قرار بود در مهرگان نیز مرسوم بود. شاهان هخامنشی کاخی ویژه برای انجام مراسم مذکور در نوروز و مهرگان داشتند که هنگام بارعام نمایندگان صنف های مختلف در روزهایی ویژه در آن کاخ بار یافته و پس از عرض تبریک و مراسم ادای احترام مرسوم و اهدای هدایا مرخص می شدند. چگونگی و نوع این هدایا را در سنگ برجسته های تخت جمشید می توان ملاحظه کرد که نمایندگان اقوام توابعه و ملل زیر فرمان به ترتیب در صفهایی منتظر بار یافتن می باشند و هر نماینده ای نمونه ای از اقلام و هدایا را در دست دارد.

گزارشی از مراسم جشن مهرگان میان زرتشتیان کرمان و یزد:

در این روزها زرتشتیان کرمان و یزد لباس نو می پوشیدند، شادی می کنند، سفره ای می چینند و بویژه درون مرغی را با مواد غذایی پر می کنند و آن را می پزند و بر سر سفره می گذارند. نیز کتاب اوستا، آیینه، سرمه دان، شربت گلاب، هفت نوع شیرینی، هفت نوع میوه، هفت نوع خشکبار، سرو، گل، شمع و لاله روشن، چند سکه نقره، بر سر سفره می گذارند. اسفند و کندر بر آتش می سوزانند هنگام ظهر اهل خانه با شادی بر سر سفره در برابر آیینه می ایستند و دعا می کنند. سپس شربت می خورند، بعد سرمه به چشم می کشند و آویشن خشک و نقل و سنجد را بر سر یکدیگر می ریزند و به یکدیگر شادباش می گویند. در برخی از روستاهای زرتشتی یزد آیین قربانی کردن گوسفند برای ایزد مهر هنوز پایدار است و ۵ روز پس از مهرگان همه جا شادی و جشن است و جمله « جشن مهر ایزد مبارک » بر سر زبانهاست. برای تازه دامادها و نو عروسها هدیه می برند. تنگ داستان را یاری می کنند. اگر نوزادی متولد شود، نامی که کلمه مهر در آن باشد بر او می گذارند.



## گروه موسیقی «پیوند»

از: نسرین اردیبهشتی

آگاه شدیم که تنی چند از نوازندگان زرتشتی، یک گروه موسیقی ایرانی به نام گروه «پیوند» تشکیل داده اند که در چندین ماه گذشته فعالیت‌های چشم گیری در شمال و جنوب کالیفرنیا داشته اند. گروه موسیقی پیوند در چند ماه گذشته در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در شهر وست مینستر کنسرت بسیار پرشور و جالبی را اجرا کردند که بسیار مورد استقبال قرار گرفت.

خواننده گروه پیوند، خواننده محبوب و خوش آواز خانم مهربانو گودرز (میما) میباشد که بسیاری با نام و صدای ایشان آشنا هستند. مهربانو گودرز از سن ۵ سالگی علاقه زیادی به موسیقی و بویژه خوانندگی آواز داشت. او از همان کودکی در مهمانیها و مجالس دوستانه آواز می خواند. در سن ۵ سالگی با تشویق فراوان مادرش خانم مهوش سروشیان آغاز به فراگیری ردیف های آواز سنتی ایرانی در نزد استاد محمود کریمی و استاد افسانه رثایی در محل سازمان فروهر جوانان زرتشتی در تهران کرد. مهربانو پس از مهاجرت به امریکا در سال ۱۹۸۸ در نزد استادانی چون آقای اسماعیل تهرانی و محمود ذوفنون به یادگیری آواز ادامه داد. مهربانو گودرز هفت سال با گروه عشاق در لس آنجلس همکاری داشت. او در کنار فعالیت های هنری خود از تحصیلات عالی خود غافل نبود چنانچه در سال ۱۹۹۵ مدرک تحصیلی خود را در مهندسی تکنولوژی صنعتی دریافت کرد و برای کار عازم شمال کالیفرنیا شد. در آنجا بود که با گروهی از نوازندگان، گروه موسیقی «میهن» شکل گرفت که مهربانو به مدت ۱۰ سال خوانندگی این گروه را به عهده داشت.

مهربانو گودرز در اوایل سال ۲۰۱۵ به صحنه موسیقی و آواز بازگشت و از آنجا بود که با گروهی از نوازندگان چیره دست موسیقی ایرانی که اکثر آنان فراگرفتن نوازندگی را در سنین کم در سازمان فروهر

جوانان زرتشتی در تهران شروع کرده بودند، با هم گروه موسیقی « پیوند» را پایه گذاری کردند.

یکی از نوازندگان این گروه خانم فرین سرداری می باشند که از کودکی موسیقی را با نواختن تنبک در محضر استاد شادروان ناصر فرهنگر آغاز کرد و پس از آن شروع به نواختن تار نمود. در نوازندگی تار از محضراستاد هوشنگ ظریف بهره ها برد. پس از آن وارد دانشکده موسیقی دانشگاه هنرشد و در آنجا از محضر اساتیدی چون شریف لطفی، هوشنگ ظریف، کامبیز روشن روان، هوشنگ کامکار، شهرام میرجلالی و... بهره ها برد. از نظر نوازندگی در گروه های مختلف فعالیت داشته. در این زمینه سالها از استاد بزرگ حسین دهلوی آموزش دیده و در گروه ارکستر بزرگ مضرابی به رهبری استاد حسین دهلوی فعالیت داشت. همچنین سالها به عنوان

نوازنده تنبک و رباب در گروه خجسته به سرپرستی سوسن اصلانی ( دهلوی) فعالیت داشته است و سالها نوازندگی رباب در گروه یاوران به سرپرستی نوشین عقیقی را در کارنامه هنری خود دارد. وی اجراهای متعددی در داخل و خارج از ایران داشته است. اکنون مدّت یکسال است که در کالیفرنیا زندگی میکند و دوستان و نوازندگان قدیمی را که سالها در کنار هم برنامه اجرا میکردند را دوباره دور هم جمع کرده است و از آنجاست که گروه پیوند پایه ریزی شد.

آقای پدرام کیانفرازکودکی نوازندگی تنبک را در کنار پدر آغاز نمود و سپس از محضر استادمحمد اسماعیلی بهره ها برد. وی سالها در گروه مسیح افقه فعالیت داشته و پس از آن در گروه های مختلف اجراهای متعددی در داخل و خارج از ایران داشته است. سالها نوازندگی در گروه یاوران به سرپرستی نوشین عقیقی را در کارنامه هنری خود دارد. هم اکنون به عنوان نوازنده تنبک در گروه پیوند هنرفمایی میکند و

همچنین در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا به تدریس ساز تنبک مشغول است.

دیگر نوازندگان گروه « پیوند» آقای رستم کیومرثی میباشد. ایشان از نوجوانی نواختن تار را در خدمت استاد هوشنگ ظریف آغاز کرد و پس از آن سالها در محضر آقای بهروز همتی به فراگیری نواختن این ساز پرداخت. وی تا کنون اجراهای بسیاری را در کارنامه هنری خود دارد. آقای رستم کیومرثی سرپرست و آهنگ ساز گروه هم خوانان «مانتره» میباشد. این گروه نوازندگان که با یک گروه هم خوانان همراه است در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در شهر وست مینستر سالهاست که فعالیت دارند و در جشنها و برنامه های هنری در مراکز مختلف فرهنگی برنامه اجرا می کنند. آقای رستم کیومرثی یکی از نوازندگان خوش ذوق گروه پیوند می باشد که مسئولیت تنظیم و آهنگ سازی بعضی قطعات را هم به عهده دارد. آقای سروش سرداری نوازندگی سه تار را در گروه موسیقی پیوند به عهده دارند

. ایشان آموختن سه تار را در محضر استاد هوشنگ ظریف آموخته اند. خانم فرین فرودی مدت ۲۲ سال است که دف می نوازند و این ساز را در محضر استاد مسعود حبیبی فرا گرفته اند. ایشان پزشک دارو ساز هستند و در کنار آن به تدریس دف هم می پردازند و با گروه های موسیقی چون « دف نوازان » و « چکاوک آزاد» همکاری داشته اند و کنسرت های متعددی را اجرا کرده اند. آقای رستم خوباری که پزشک هستند و نوازندگی ویلون را در گروه پیوند به عهده دارند.

خانم مهربانو گودرزخواننده گروه پیوند بر این باور است که زیبایی و لطافت موسیقی ایرانی را می توان به قلب جوانان ایرانی و حتی افراد غیر ایرانی انتقال داد. موسیقی زبان جهانی است و امید است که این باور به حقیقت بپیوندد.

گروه پیوند در شب یلدا ایامسال که در پیش داریم کنسرت دوم خود را در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در شهر وست مینستر اجرا خواهند کرد. این گروه موسیقی افتخاری برای جامعه زرتشتی است که با استقبال و تشویق بسیاری از دوستداران هنر موسیقی روبرو شده است.

برای گروه موسیقی پیوند و یک یک نوازندگان گرامی این گروه و خانم مهربانو گودرز که با صدای آسمانی خود خوانندگی این گروه را به عهده دارند سلامتی و دیرزیوی آرزو داریم.

ایدون باد



زبان پارسی، واژگان زیبایی دارد که چون گنجینه ای به دست ما رسیده است.

بباید پارسی بگوییم و پارسی بنویسیم. عاقل و باطل: بیکار و بیهوده عاقبت کار: پیامد کار عالمگیر: جهانگیر عالی نسب: پاکنژاد، والاتبّار عایدات: درآمدها، سودها عبارتند از: بدین شمارند عجلولانه: شتابزده

# جشن های ایرانی

از: کورش نیکنام

ویژگی ارزشمند و زیبای فرهنگ ایرانیان که زرتشتیان کنونی نیز از آن پاسداری کرده اند، شادمانی برای گذران زندگی و بهره‌گیری درست و خردمندانه از داشته‌های فردی و اجتماعی است. با کنکاش و جستاری در بینش زرتشت و فلسفه دین ایرانیان، می‌توان به روشنی بیان کرد که یکی از بارزترین و مهمترین ویژگی دین و فرهنگ زرتشتی شاد بودن و تلاش کردن برای شادمانی دیگران است. این نگرش درست و سازنده سبب پویایی و برپایی جشن‌هایی گوناگون و شادی آفرین در تاریخ زندگی ایرانیان شده است.

جشن، از واژه یسن و از ریشه یز به معنای ستایش کردن آمده است، به همین روی نیاکان ما در ایران باستان در آغاز هر جشنی نخست به نیایش و ستایش اهورامزدا می‌پرداختند و آنگاه برنامه‌های شاد و گوناگونی را به مناسبت هر جشنی برپا می‌داشتند. زرتشتیان و ایرانیان جشن‌های فراوانی برگزار می‌کردند که آنها را می‌توان در گروه‌های زیر دسته بندی کرد:

۱- جشن‌های هفتگی ۲- جشن‌های ماهانه ۳- جشن‌های فصلی (گاهنبارها) ۴- جشن‌های سالانه ۵- جشن در نیاشگاه ۶- جشن‌های دینی

## ۱- جشن‌های هفتگی

در گاهشماری زرتشتیان، هر روز از ماه سی روزه نام ویژه‌ای به خود دارد. چهار روز در هر ماه به فاصله هفت یا هشت روز به نام جشن‌های اورمزد و سه دی و سپی‌شام نامیده شده اند این روزها، اورمزد- دی‌بآذر- دی‌مهر و دی‌بدين نام دارند، دی به آرش (معنی) آفریدگار است در این روزها زرتشتیان تلاش دارند با خویشان و دوستان دیدار بیشتری داشته باشند و در دیدارها به سرور و شادمانی بپردازند.

## ۲- جشن‌های ماهانه

جشن‌های ماهانه گونه دیگری از جشن‌های ایرانی است. نیاکان خردمند این سرزمین در گاهشماری ایرانی برای دوازده ماه نام‌هایی برگزیده اند به ترتیب، فروردین - اردیبهشت - خرداد - تیر - امرداد - شهریور - مهر - آبان - آذر - دی - بهمن و اسفند نام دارد. در هر ماه سی روزه هر روز نامی ویژه دارند که نام نخستین روز، صفت خداوند است و شش روز بعدی نام امشاسپندان ( فروزه های خداوندی که انسان نیز در راه شناخت او می

تواند این ویژگی‌ها را در خود پرورش دهد، امشاسپند از ترکیب دو واژه امشا به معنی جاودانی و بی‌مرگی و سپند به معنای پاک و مقدس ترکیب یافته یعنی جاودانان پاک) و بقیه نام روزها از ایزدان ( ایزد از واژه یز و یسن آمده، یعنی درخور ستایش ) گرفته شده است.

در این گاه شماری باستانی، پنج روز آخر سال را به نام پنجه نامیده اند. همچنین هر چهار سال یکروز را به نام آورداد می‌نامند. آورداد به آرش روز اضافی است که در گاه شماری خیامی ( جلالی) نیز می‌تواند به روزهای سی و یکم هرماه در شش ماه اول سال گفته شود.

هر یک از سی روز ماه، نام‌های ویژه‌ای به خود دارد، برابری نام روز و نام ماه در هرماه جشن گرفته می‌شده و اکنون نیز می‌شود. نام سی روز ماه به ترتیب چنین است.

اورمزد- وهمن- اردیبهشت- شهریور- سپندارم- خرداد- امرداد- دی‌بآذر- آذر- آبان- خیر- ماه- تیر- گوش- دی‌مهر- مهر- سروش- رشن- فروردین- ورهرام- رام- باد- دی‌بدين- دین- آرد- آشتاد- آسمان- زامیاد- مانتره سپند- انارام

نام پنج روز آخر سال که پنجی خوانده می‌شود، از نام پنج بخش گانه‌های زرتشت یعنی آهن‌ود- آشت‌ود- سپنت‌مد- وهوشتر- وهیش‌توایش برگزیده شده است.

برابری نام روز با نام همان ماه جشن گرفته می‌شود مانند روز فروردین از ماه فروردین که با افزودن پسوند گان به آخر کلمه به صورت جشن ماه فروردین یا فروردینگان در آمده است. بنابراین دوازده جشن ماهانه عبارتند از: فروردینگان- اردیبهشتگان- خردادگان-

تیرگان- امردادگان- شهریورگان- مهرگان- آبانگان- آذرگان- دیگان- بهمنگان و اسفندگان

## ۱-۲ جشن فروردینگان یا فرود گ

نوزدهمین روز از ماه فروردین فروردین از واژه فرّوشی و فرورتنی آمده است که ویژه فرّوهرها است، ماه فروردین از آن فروهرها بوده و جشن فروردینگان برای بزرگداشت و پاسداری از فروهرهاست. فرّوهر، که صورت اوستایی آن فروشی و صورت فارسی باستان آن فرورتنی است، در باور سنتی نیاکان ما فروزه اهورایی در نهاد انسان بوده است. برپایه این باور کالبد هر انسانی از چهار آخشیح (عنصر، پدیده) تشکیل شده که عبارتند از:

- تن
- جان
- روان
- فروهر

## ۲-۲- جشن آردی بهشت گان

سومین روز از ماه اردیبهشت این جشن در سومین روز از ماه اردیبهشت برگزار می‌شود و برای گرمی داشت جایگاه آتش، گرما و روشنایی آن در زندگی انسان است.

اردیبهشت در اوستا به صورت آشه و همیشه آمده است. بخش نخست، آشه یا آرتّه به معنی درستی و راستی و هنجار و بخش دوم صفت عالی است به معنی بهترین، بنابراین اردیبهشت یعنی بهترین راستی یا بهترین هنجار و قانون خواهد بود. این ویژگی یکی از گام‌های عرفانی برای شناخت و نزدیک شدن به اهوراست. اردیبهشت در نقش مادی خود از روشنایی و آتش پاسداری می‌کند.

در این جشن، ایرانیان به کنار آتشکده‌ها و کانون روشنایی می‌رفتند و با آرزوی افزایش فروغ اهورایی در جان و روان خویش به نیایش آتش (بخشی از خُرده اوستا) می‌پرداختند. سپس



با خوردنی‌های سنتی که فراهم شده بود پذیرایی می‌شدند.

## ۳-۲، جشن خردادگان

ششمین روز از ماه خرداد خرداد در اوستا هتوروتات و در پهلوی خردات به معنی رسایی و کمال است که در گات‌ها یکی از فروزه‌های اهورا مزدا و در اوستای نو نام یکی از امشاسپندان و نماد رسایی و کمال است. خرداد، در نقش مادی خود از آب‌ها نگهداری می‌کند و انسان را در چیرگی بر تشنگی یاری خواهد کرد از این رو در آداب سنتی، به هنگام نوشیدن آب از خرداد به نیکی یاد می‌شود. در گات‌ها، از خرداد و امرداد پیوسته در کنار یکدیگر یاد شده است و در اوستای نو نیز از این دو امشاسپند که در نقش مادی خود پاسداری از آب و گیاهان را به عهده دارند و به هنگام تشنگی و گرسنگی به یاری مردم می‌آیند. به نیکی یاد شده است. نیایش‌های ویژه این روز همراه با شادی و سرور همگانی است.

## ۴-۲، جشن تیرگان

سیزدهمین روز از ماه تیر این جشن در گرمی داشت تیشتر (ستاره باران آور در فرهنگ ایرانی) است و در روز تیر از ماه تیر برگزار می‌شود. از دیدگاه تاریخی، جشن تیرگان روز کمان‌کشیدن پهلوان ایرانی به نام آرش و پرتاب تیر از فراز البرز کوه بوده است که در روایت تیشتر یشت پس از نبرد بین ایرانیان و تورانیان صورت گرفته و سرزمین ایران از دشمن باز پس گرفته شده است. همچنین جشن تیرگان به روایت ابوریحان بیرونی در کتاب آثارالباقیه، روز بزرگداشت مقام نویسندگان در ایران باستان بوده است. جشن تیرگان، همراه با مراسمی وابسته به آب و آب‌پاشی و آرزوی بارش باران در سال پیش رو همراه بوده است و همچون دیگر جشن‌هایی که با آب در پیوندی باشند، آبریزگان یا آب‌پاشان نامیده شده است. در چنین روزی نیاکان ما به کنار چشمه‌ها و رودخانه می‌رفتند و با پاشیدن آب در یکدیگر، ارزش و جایگاه آب در زندگی را گرمی می‌داشتند.

## ۲-۵ جشن امردادگان

هفتمین روز از ماه امرداد در گاهشماری ایرانیان باستان جشن امردادگان نام گرفته است. ایرانیان، در این جشن برای گرمی داشت منش، گنش و جایگاه امرداد ( چنانکه در بینش زرتشت آمده: امّرتات یعنی بی‌مرگی و

جاودانگی) برگزاری شده است. امرداد نام ششمین امشاسپند است که همواره با خرداد آمده است یعنی جاودانگی پس از رسایی ( خرداد ) خواهد رسید. بدین روی فروزه نگهبان آب و پاسدار گیاهان با یکدیگر اهمیت دارند. ایرانیان از هزاره‌های دور، این جشن فرخنده را نیز برگزار کرده و گرمی داشته‌اند.

در متون‌های اوستایی و یادگارهای کهن ایرانی، از این روز و جشن امردادگان و آیین‌های ویژه آن، روایت و اشاره‌های بسیاری شده است در متن پهلوی بُندَهش، می‌خوانیم: امرداد بی‌مرگ، سرور گیاهان بی‌شمارست؛ زیرا او را به گیتی، گیاه، خویش است. گیاهان را رویند و رمه گوسفندان را افزایش، زیرا همه دام‌ها از او خورند و زیست‌کنند.

## ۶-۲، جشن مهرگان

شانزدهمین روز از ماه مهر واژه مهر، پیمان و دوستی معنی می‌دهد. در گاهشماری و فرهنگ ایران باستان، جشن مهرگان پس از نوروز دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است. دلیل آن این بود که در گاهشماری کهن ایران، سال تنها دو فصل بزرگ تابستان و زمستان را داشته و هر دو جشن، آغاز فصل‌های سال را نوید می‌دادند.

به بیان دیگر، نوروز آغاز فصل نخست و مهرگان آغاز فصل دوم به حساب می‌آمد. فصل اول تابستان بود که از جشن نوروز آغاز می‌شد و هفت ماه ادامه داشت و فصل دوم، زمستان که از جشن مهرگان آغاز می‌شد و تا پنج روز پس از آن ادامه می‌یافت.

به گزارش شاهنامه فردوسی، انگیزه‌ای که به پیدایش جشن مهرگان در تاریخ ایران نسبت می‌دهند، پیروزی ایرانیان بر ضحاک تازی به پیشنهاد و همت کاوه آهنگر بوده است که پس از تلاش و پایمردی فراوان، او را به بند آوردند و فریدون را به عنوان رهبر خود برگزیدند.

اکنون نیز ایرانیان به ویژه زرتشتیان در روز مهر از ماه مهر به آتشکده و نیاشگاه‌ها می‌روند و با خوراکی‌های سنتی از یکدیگر پذیرایی می‌کنند. آنان با انجام نیایش و اجرای برنامه‌های فرهنگی مانند سخنرانی‌های ملی و آیینی، سرود، شعر و دکلمه جشن مهرگان را با شادی برپا می‌دارند.

زرتشتیان در برخی از روستاهای یزد جشن مهرگان را هماهنگ با تقویم غیر فصلی برگزار می‌کنند بعضی از خانواده‌ها خوراکی‌های سنتی، گوشت بریان شده گوسفند و لووک (نان کوچک روغنی) تهیه می‌کنند و با پذیرایی از همه به داد و دهش شادی می‌پردازند.

# جشن مهرگان

## یادگار نیاکان

پیام پورجاماسب- روزنامه نگار زرتشتی:

ز دانا پرسید پس دادگر که فرهنگ بهتر بود یا گوهر چنین داد پاسخ بدو رهنمون که فرهنگ باشد ز گوهر فزون گوهر، بی هنر زار و خوارست و سست

به فرهنگ باشد روان تندرست سخن بالا از شاهنامه‌ی حکیم ابوالقاسم فردوسیست که در داستان پادشاهی کسرا انوشیروان آمده و در آن به خوبی جایگاه «فرهنگ» را در منش ایرانی باز نموده است.

در شاهنامه‌ی فردوسی «گوهر»، هر آن چیزی است که در نژاد است و از راه ژن از پدر و مادر به فرزند می‌رسد. «هنر» نیز هم‌ه‌ی آموختنی‌ها و چیزهایی است که فرزندان از پیران و خردمندان و بزرگان خویش می‌آموزند. در ایران کهن، «فرهنگ» تا بدان پایه ارجمند بوده است که «دانا» در پاسخ شه‌ریار ایران می‌گوید: «فرهنگ» از «گوهر» شاهی که از نیاکان به تو رسیده است افزون‌تر و بهتر است و «گوهر» اگر بی‌هنر» بماند بی‌ارزش و بی‌بهاست.

موجب سرافرازی ما زرتشتیان است که خود را وامدار این منش و اندیشه بدانیم چرا که خود واژه‌ی فرهنگ نیز برآمده است متون کهن اوستایی است. فرهنگ» از واژه‌ی باستانی «فرهنگ» می‌آید که گمان می‌رود از پیشوند «فر» به معنی «پیش» و «هنگ» یا «تنگ» به چم «کشیدن» است. از این‌رو فرهنگ به چم «پیش کشیدن» است. ایرانیان باستان، پیشرفت و سربلندی را در بالا بردن فرهنگ همگانی می‌دیدند و در آموزش و بالا بردن فرهنگ فرزندان خویش بسیار کوشا بوده‌اند و شاید از این‌رو بود

به‌روزی

روزگار جوانی جاوید

اهمیت مهرگان در فرهنگ زرتشتی در درون واژه‌ی مهر جای دارد.

«مهر را می‌ستاییم، (کسی) که دارای دشت‌های پهناور است، (کسی) که از گفتار راستین آگاه است، زبان‌آوری که دارای هزارگوش است. نخستین ایزد مینوی که پیش از خورشید فناپذیر تیز اسب، در بالای کوه «هرا» برآید. نخستین کسی که با زینت‌های زرین آراسته از فراز (کوه) زیبا سر به‌در آورد، از آن‌جا (آن مهر) بسیار توانا همه‌ی سرزمین‌های آریایی را بنگرد.

«مهر یشت\*، بنده»

در آغاز مهر یشت، «مهر»، از آفریده‌های اهورامزداست که برای نگاهبانی از پیمان مردم گماشته شده است. و «مهر» از این‌رو فروغ و روشنایی است تا هیچ چیز از او پوشیده نماند و در سراسر جهان آنچه از راست و دروغ می‌گذرد و یا پیمانی بسته و شکسته می‌شود، نزد او آشکار باشد. و این چنین است که در مهریشت اهورامزدا به ایزد مهر هزار گوش و ده‌هزار چشم داده تا توانایی این کار را داشته باشد. «مهر»، «خورشید» نیست، بلکه «مهر» ایزد

روشنایی و فروغ است که این به خوبی در یشت دهم (مهر یشت) دیده می‌شود که از برخاستن مهر، پیش از خورشید و گردش او پس از فرو رفتن خورشید سخن به میان آمده است.

در استوره‌های ایرانی جشن مهرگان از سویی دیگر ارزشمند می‌شود و آن پیروزی ایرانیان بر ضحاک تازی است. فردوسی بزرگ (در شاهنامه)، ابوریحان بیرونی (در آثار الباقیه)، ابوسعید گردیزی (در زین الاخبار)، مسعودی (در مروج الذهب)، عزالدین ابن اثیر، طبری و ... به روشنی مناسبت این روز را، پیروزی بر ضحاک می‌آورند.

در روزگار پیشین، این جشن بزرگ شش روزه بوده است؛ از مهرایزد تا رام ایزد. روز آغاز را «مهرگان عامه» و روز پایان را «مهرگان خاصه» می‌گفته‌اند. به گفته بیهقی تا پایان فرمانروایی غزنویان این جشن ملی و رسمی بوده و با شکوه هر چه تمام برگزار می‌شده است.

چنانکه گویند شکوهش با نوروز برابری می‌کرده و گستره‌ی آن به سبب پیوندش با آیین مهر و میترا از خاور تا باختر را درمی‌نوردیده. به خیال، اگر بتوان از استوره‌ی کاوه آهنگر که درفش دادخواهی و ستم‌ستیزی ایرانیان است، چشم‌پوشی کرد و یا حتی پیوند مهرگان با «میترا» و «مهر» را هم که نشان از پیشینه‌ی این جشن کهن دارد، نادیده گرفت، همزمانی آغاز فصل برداشت کشاورزان با مهرگان، بر مردمی بودن این جشن کهن گواه است، و از سوی دیگر

مهرگان آغاز اعتدال پاییزی را نوید می‌دهد، همان گونه که نوروز پیام‌رسان اعتدال بهاری است، این دو جشن کهن را همانند دو روی سکه‌ی فرهنگ ایران می‌انگارند.

خوان یا سفره مهرگانی نیز همچون هفت سین نوروز و دیگر سفره‌های جشن‌های ایرانی، هفت چینی از میوه‌ها و خوراکی‌هاست، همراه با شاخه‌هایی از درخت «سرو» یا «مورت»، شیر و نان مخصوص «لوگ» که روی پارچه‌ای ارغوانی گرد یک آتش‌دان چیده می‌شوند. هفت میوه و لrk ( آجیل ویژه‌ای از هفت خشکبار از جمله مغز گردو، پسته، مغز فندق، بادام، تخمه، توت خشک، انجیر خشک، نخودچی و ...)، آش هفت غله، کاسه‌ای پر از آب و گلاب و سکه و برگ آویشن همراه با گل‌های بنفشه و نازبو (ریحان)، آینه، سمره‌دان، ترازو، شیرینی و بوهای خوش همچون اسفند و عود و گُندر.

خلف تبریزی در «برهان قاطع» برای یکی از مقام‌ها و لحن‌های موسیقی سنتی ایران نام «موسیقی مهرگانی» را آورده است؛ که گمان می‌رود در دوران گذشته در جشن مهرگان موسیقی ویژه‌ای نواخته می‌شده که اکنون از آن آگاهی نداریم. همچنین در میان دوازده مقام نامبرده شده در کتاب «موسیقی کبیر» ابونصر فارابی، مقام یازدهم با نام «مهرگان» آمده است و نیز نظامی گنجوی در منظومه‌ی «خسرو و شیرین» نام بیست و یکمین لحن از سی لحن نامبردار شده را «مهرگانی» نوشته است.



# سوشیانت (موعود) در دین زرتشت



از : زنده یاد موبد بهرام شهزادی

آنچه در گاتها در این مورد آمده است هیچگونه اشاره ای به فرد معین و یا زمان معینی نشده که سوشیانت و یا موعودی بنام پیامبر ظهور کند و با بهره گیری از این نام و یا دست آویز دیگری بخواهد پیروان دین زرتشت را بسوی خود بکشاند.

اکنون برای نمونه در این باره از برگردان گاتهای موبد فیروزه آذرگسب بهره می گیریم : « سوشیانت ها یا رهانندگان مردم گیتی باید از دانش و بینش کافی برخوردار بوده ، وظیفه خود را با الهام از منش نیک انجام دهند ، آنها باید کردارشان از راستی و پاکی سرچشمه گرفته و رفتارشان با آموزشهای تو ای مزدا هم آهنگی داشته باشد و براستی آنها باید پدید آورندگان مهر و آشتی در بین مردم و دور کنندگان خشم و نفرت باشد . » گاتها : هات ۴۸ بند ۱۲

واژه ای که در گاتها بعنوان موعود ( وعده داده شده) بکار رفته واژه سوشیانت ، بجم رهاننده یا پیشرفت دهنده میباشد . این واژه در گاتها بصورت اسم عام و اسم جمع بکار رفته است و به کسانی سوشیانت گفته شده که در راه بهبود و پیشرفت جامعه کوششهای فراوانی نموده باشند.

چنانکه اشوزرتشت خود را یکی از سوشیانت ها یا سودرسانان خوانده و همه کسانی که بیش از وی و یا پس از وی آمده و مردم را از راه راستی و درستی آموزش داده اند سوشیانت می خواند.

در آیین زرتشت سوشیانت های فراوانی پیش بینی شده که اشوزرتشت والاترین و شایسته ترین پایگاه ها را در میان دیگر سوشیانت ها دارا میباشد ، بنابراین

واژه سوشیانت همچنین در اوستا هات ۴۶ آمده است و در این بخش آرزوی زرتشت از اهورامزدا چنین است:

ای مزدا بتو پناه می آورم ودرخواست دارم که چون دوستی مرا پشتیبانی نمایی تا مردم را آگاه کنم تا دریابند که راه راستین کدام است تا بسوی راستی و نیک منشی روی آورند . ای مزدا کی سپیده دم درخشان پیروزی جهان را در بر خواهد گرفت ؟ کی از مزدا درخشندگی آفتاب دین ، همه جا را روشن خواهد ساخت ؟ کی ، سوشیانت ها از پرتو کار و کردارشان دین را گسترش خواهند داد؟ اکنون ای مزدا منم زرتشت سوشیانت که برای آموزش مردم برخاسته است . ای مزدا چشم امیدم بسوی توست تا بیاری تو و فروغ آتش درون و منش پاک پیروزشوم و دین مزدا پرستی در جهان گسترده گردد.

دگرگون شدن اندیشه های گاتهای درباره سوشیانت با گذشت روزگار پس از سدها و حتی هزاره ها در اوستای بعدی ( ادبیات مزدیسنی ) باور به سوشیانت و یا نجات دهندگان به شکل دیگری در آیین زرتشتی پدید آمد و با پندارهای پوچ و خرد



ستیز که با دین زرتشتی هیچگونه سازی ندارد در آمیخت و اشیدر ، سوشیانت و شاه بهرام ورجاوند بعنوان نجات دهندگان ویژه ای در آمدند.

نوشته های پهلوی که از روزگار ساسانیان و پس از آن تا سده چهارم هجری تدوین گردیده در بر دارنده چنین پدیده هاست که کتابهای بندهش ، شایست نشایست و روایات داراب هرمزدیار که پس از اسلام نوشته شده با گزارش بیشتر آمده است .

چگونگی پیدایش پشتوتن و شاه بهرام ورجاوند بعنوان نجات دهندگان

همانگونه که گفته شد از جمله پیش بینی های نویسندگان پهلوی زبان و پیروان آنها پدید آمدن پشتوتن دلاور و شاه بهرام ورجاوند است . پشتوتن پسر گستاسب شاه کیانی بود که هزاران سال پیش زندگی کرد و درگذشت ، پس باور به دوباره زاده شدن و زیستن او شرط عقل نیست . شاه بهرام ورجاوند هم یاد آور بهرام گور از دودمان ساسانیان است که پادشاهی دادگر ، دلیر و نیرومند بود و مردم در روزگار این پادشاه از آسایش و آرامش ویژه ای بر خوردار بودند . فردوسی سروده هایی در باره کارهای پیروزمندانه اودر شاهنامه آورده است ولی چون مرگ او بطور ناگهانی روی داد و هنگام شکار گور خر به باتلاقی فرو رفت برای اینکه کشور دچار هرج و مرج و ناامنی نشود انتشار دادند که شاه بهرام دوباره بر می گردد. این موضوع که در

ذهن مردم تاثیر شایانی داشته زمینه ای را برای پیدایش این موعود فراهم آورده است . باز مجددا هنگامیکه بهرام چوبینه سردار دلیر و جوانمرد ایرانی تاج و تخت را از خسرو پرویز گرفت مردم امیدوار بودند که با سیاست و مردمداری او بار دیگر بتوانند امنیت و رفاه را به کشور باز گردانند که دیدیم بعدا خسرو پرویز به یاری دولت روم این سردار نامی را شکست داد ولی خاطره اینکه بار دیگر بهرام برگردد و با سیاست درست خود کشور را اداره کند ، مردم را امیدوار کرده بود . تاثیر این دوشاه بهرام در روحیه مردم و امید به آینده بهتر و همچنین نفوذ موعود ها در دینهای دیگر ، در روزگار ساسانیان و بویژه پس از یورش اعراب به ایران، فکر نجات دهنده بیشتر نیرو گرفت تا آنجاییکه مردم منتظر بودند از هندوستان و یا چین شاه بهرام ظهور کند و به ایران بیاید و تاج و تخت ایران را از تازیان باز گیرد و شاه ایرانی باور دیگر زمام امور را در دست گیرد . تصور می رود که این امیدواری به این دلیل بوده که فیروزه پسر یزد گرد سوم با شماری از ایرانیان پس از شکست به کشور چین پناهنده شده و تعدادی هم به هندوستان رهسپار شده بودند. افزون بر پیدایش کسانی که نام برده شد، نام شماری از پادشاهان و پهلوانان ایران باستان آورده شده که بار دیگر می آیند و مردم را از ستم و بیدادگری رهایی می بخشند و فر و شکوه و دیرین را به ایرانزمین باز می گردانند.



# خزانی دیگر و شروع سال تحصیلی دیگر بر همگان خجسته باد

از: فریده غیبی

هرسال پاییز که از راه میرسد با آمدن خود هارمونی زیبایی از رنگهای خوش ویر آب و رنگ را به ما هدیه میدهد و همزمان با این همه زیبایی کودکان و دانش آموزان با شغف و شادی بسیار شروع سال تحصیلی نو را آغاز میکنند. و همراه با این شور هیجان در دل من نیز غوغایی بر پا میشود و دم می خواهد کودکی از سرگیرم. این حس آشنا چند روزی در من باقی میماند و این حالت شادی و نشاط ویژه ای در دم می افروزد.

به راستی که دوران خوش مدرسه را نمیشود با هیچ چیز دیگر مقایسه کرد شادیا شیطنت های کودکی، تقلید صدا و حرکات معلم ها و از همه بدتر اضطراب و التهاب شب های امتحان و ترس نمره های بد در کارنامه ها جز خاطرات هر دانش آموز است.

همین یادها و خاطرات است که وقتی بزرگ میشویم و در مجلسی هستیم که همکلاسیهایمان هم هستند از ذکر و یادآوری آنها شاد میشویم و انگار همان لحظه در کلاس درس نشستیم ایم و زمان دارد تکرار میشود.

حال می خواهم یکی از خاطرات کودکیم را تعریف کنم.

دو سال اول ابتدایی و همچنین دو ماه اول سال سوم را در مدرسه شهریار کرمان درس خواندم در همین دوران پدرم حکمی دریافت کرد که محل خدمتش از کرمان به تهران منتقل شده است و به ناچار ما مجبور به مهاجرت شدیم.

از دبستان شهریار چند نکته در ذهنم روشن و واضح است مدرسه بافت قدیمی داشت حیاط مدرسه نسبتا بزرگ بود ولی جز چند توپ و یک زمین و لیبال چیزی در خاطر ندارم.

مدیر مدرسه آقای قد بلند بود بانگهی نافذ و گویا همیشه کمر بندی گیس بافت چرمی در دست داشت که با آن شاگردان خطا کار و تنبل و بی نظم و شیطان راتیبه میکرد که خوشبختانه هیچ وقت نوازش استاد نصیب من نشد. اما متاسفانه بودند دوستانی که از شلاق استاد بی بهره نماندند. و طعم آنرا چشیدند.

یکی دیگر از نکاتی که در ذهنم نقش بسته است وجود کسانی بود که به آنها (جیب گرد) می گفتند

وظیفه این جیب گردها که معمولا شاگردان کلاس های آخر بودند و همه از بچه های اقوام و اشنایان بودند از طرف اولیای مدرسه برگزیده میشدند که در جیب روپوش (در انزمان روپوش های دو جیب بزرگ در دو طرف داشت) دانش آموزان بگردند تا اگر بچه ها چیزی برای خوردن زنگ تفریح داشتند بگیرند و در دو کاسه بزرگ مسی بریزند خوراکیهایی که آن زمان معمول بود که شاگردان با خود داشتند شامل (نان بربری که همان نان خشک بود، نان شیرمال، برگه الو هلو انجیر خرمای خشک ترشاله کشک ترف که همان قره قورت است تخمه کدو یا آفتابگردان امثالهم)

جیب گردها این مواد خوراکی که دانش آموزان با شوق در جیبشان می گذاشتند تا با دوستانشان زنگ تفریح بخورند می گرفتند و در آن کاسه های بزرگ می ریختند من هنوز که هنوز در پی یافتن جواب هستم که چه فلسفه ای در این کار بود.

خانواده ما راهی تهران شد نام مرا در مدرسه ای نزدیک به خانه مان ثبت نام کردند و قرار شد از فردای روزی که به تهران رسیدیم به مدرسه بروم.

شهر تازه محیط زندگی جدید مدرسه نو دنیای تازه ای برایم بود صبح روز موعود از خواب برخاستم

روپوش از مکی که در دبستان شهریار می پوشیدم به تن کردم یقه سفید اهاریم را دور گردنم بستم لیوان آب تاشوی رنگی که مادرم به تازگی برایم خریده بود با شوق کودکانه در کیفم گذاشتم و راهی مدرسه نو شدم دلواپسی و حس خجالت در من حس غریبی ایجاد کرده بود.

با مادرم به دفتر مدیر مدرسه رفتیم خانم مدیر قد بلند از پشت میز برخاست نگاهی به من کرد که بند دم پاره شد. در دستش نه خط کش داشت و نه کمر بند گیس بافت ولی همان نگاهش که داشت سر تا پای مرا برانداز میکرد کافی بود که مرا به ترس وادارد سرم را به زیر انداختم و نگاهم را از او بر گرفتم او با صدایی خشن به خانم ناظم دستور داد (این شاگرد را به کلاس سوم الف ببر) ترس من بیشتر شده بود با احتیاط به دنبال ناظم به راه افتادم صدای قدم هام با صدای طپش قلبم همراه شده بود به طبقه دوم رسیدیم

و به کلاسی که پشت درش روی کاغذی سفید و خوش خط نوشته شده بود سوم الف رسیدیم ناظم تلنگری به در زد و در را گشود با عجله گفت شاگرد تازه است از شهرستان آمده است آموزگار از جای خود بلند شد اسمم را پرسید گفتم سپس خواست بداند که از کجا به تهران آمده ام من تند و شتاب زده پاسخ دادم کرمان و غروری در وجودم حس کردم (بله من بچه کرمانم و هنوز هم به آن مفتخرم)) آموزگار کوتاه گفت کرمان مرکز استان هشتم از پایتخت یعنی تهران خیلی دور است قالی کرمان خیلی معروف است بعد یک جای خالی در ردیف سوم کلاس مان نشان داد و گفت برو انجا بنشین بهرامی (خطاب به دانش آموز کنار دستی من) یک جای نشست بهش بده و من بدلواپسی و هیجان کنارش نشستم (زینت بهرامی هنوز یکی از بهترین دوستان من است).

وقتی که نشستیم و کمی راحت تر شدم کم کم به همکلاسی هایم نگاه کردم روپوش آنها هم ارمک بود ولی مدلش و رنگش کمی فرق داشت معلم مثل اینکه متوجه روپوش من شد و به من تذکر داد که تا دوسه روز دیگر روپوشی بپوشم که هم مدل این مدرسه باشم منم یواش وزیر لب چشم گفتم. سپس از من پرسید: درس شما تا کجا بود؟ من اسم درس و صفحه آنرا گفتم با تعجب پرسید بینم کدام صفحه را می گویی من با عجله کیفم را بالا اوردم (در کرمان همه بچه ها از کیفهایی استفاده میکردند که شکل چمدان بود و رنگ خردلی یا زرد چرک داشت) تا من در کیفم را باز کردم شنیدم که بچه ها دارند بچ بچ میکنند و باشیطنت میگفتند این میخواد بره حمام ساک حمام داره و صدای خنده ها بالا و پایین میرفت خلاصه من کتاب درسی خود را به آموزگار نشان دادم معلم پس از دیدن کتابها متوجه شد کلیه کتابهای من با تهران تفاوت دارد فوراً از مبصر خواست که بدفتر برود و برای من یک سری کتاب نو بیاورد یکی از تفاوتها این بود که در تهران کتاب علم الاشیا داشتند ولی ما در کرمان این را نداشتیم از همه بد تر وقتی بود که من با لهجه کرمانی حرف میزدم با هر کلمه ای که از دهان من خارج میشد صدای خنده های ریز و یواشکی شاگردان را می شنیدم که با

مسخره گویش مرا مسخره میکردند.

دو سه هفته اول مدرسه آنقدر بد گذشت که دم می خواست یک بیماری بد و حشتناک بگیرم و بهانه ای باشد که مدرسه نروم ولی هر روز با اصرار پدر مادرم به اجبار راهی مدرسه میشدم.

کم کم صاحب یک روپوش نوشدم مامانم برایم کیف تازه مدل تهرانیها خرید ولی هنوز لهجه ام درست نشده بود با گذشت زمان وحشت و ترسم از بین رفت به محیط تازه دوستان جدید مدرسه متفاوت خو گرفتم توانستم سری بین سرها در بیارم. و دیگر لهجه ام نیز تغییر کرده بود در این مدرسه از جیب گرد خبری نبود بابای مدرسه در گوشه حیاط دکه ای داشت که در آن ورقه امتحانی و ممداد تراش و پاک کن و همچنین آبنبات قیچی، آبنبات کشی تهرندی آلوجه، آلبالو و این قبیل چیزها را می فروخت و هر دانش آموزی مایل بود که خریدی کند و زنگ تفریح با دوستانش تقسیم کند و با هم بخورند.

## موزه سنگی هگمتانه اشک ریخت!



از: امرداد

یکی از ارزشمندترین گنج خانه های (موزه ها) باختر ایران بی گمان گنج خانه «هگمتانه» در شهر همدان است. با این همه، بخش روباز این گنج خانه که بازمانده های (آثار) سنگی به جا مانده از روزگار هخامنشی و ساسانی برجسته ای را در خود جای داده است در بدترین

شرایط نگه داری قرار گرفته و در زیر باد و باران و آفتاب، با مرگ دست و پنجه نرم می کنند. همچنین شیوه چیدمان این بازمانده ها دل هر دوست دار تاریخ و فرهنگ ایران را به درد می آورد.

به گزارش آمداد، کارشناسان و پژوهشگران تپه «هگمتانه» را یکی از ارزشمندترین یافته های باستان شناسی در باختر ایران می دانند که امروزه درون شهر همدان جای گرفته و از بخش های گوناگونی برپا شده است. بی گمان امروزه یکی از بخش های ارزنده و دیدنی آن، گنج خانه اش هست. این مجموعه از دو بخش رو باز و سر بسته ساخته شده که در فضای سر بسته آن بازمانده های برجسته ای به نمایش گذاشته شده است و در برگیرنده یادگارهای سنگی، سفالی، استخوانی و فلزی از روزگار هخامنشی، اشکانی، ساسانی و اسلامی بوده که از همین تپه، میدان شیرسنگی و استان همدان به دست آمده است. اما بخش رو باز این گنج خانه، که در حیاط آن جای گرفته و بازمانده های سنگی بسیار ارزشمندی از زمان هخامنشیان و ساسانیان درون آن نگه داری شده، چیزی جز شگفتی و افسوس را به دنبال ندارد.

شیوه چیدمان این یادمان های باستانی که نشانه ای از شکوه و بزرگی و سخت کوشی نیاکان پاک سرشت ماست، بسیار اندوه بار و دردناک است و هر کدام را در گوشه ای بر روی زمین رها کرده اند. در بخشی از این گنج خانه ی رو باز، بازمانده های سنگی را به بدترین گونه در یک انباری با سرپوش آهنی بدریخت جای داده و در بخش دیگری نیز این یادمان ها بر روی هم تلبار شده اند. از سوی دیگر، در میان یکی از بازمانده های سنگی لوله ی آب رد کرده و کاربری تازه ای به آن داده اند! همچنین انبوهی از چوب و آهن و چیزهای دور ریز در گوشه ای از این حیاط در جلو چشم گردشگران و بازدیدکنندگان رها شده که چهره ی زشت و زنده ای را بر جای گذاشته است که نشان از نبود شناخت و پی نبردن به جُستار گردشگری و گنج خانه ها در میان مدیران میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و ناکارآمدی مدیریت این مجموعه دارد.





# چشمه‌های آهکی «توران» پشت یزد» در خطر احداث معدن سنگ

از: امرداد

سازمان صنعت و معدن استان یزد در حالی درخواست صدور مجوز برداشت سنگ و تخریب چشمه‌های آهکی توران پشت یزد را داده که پیشتر ۱۰ها تپه از این محوطه با صدور مجوز این سازمان تخریب شده بود. حال این تپه‌ها در فهرست آثار طبیعی کشور به ثبت رسیده اما با این وجود برای دومین بار مجوز برداشت سنگ در این منطقه صادر شده است. در حال حاضر طرفداران آثار طبیعی و زیست محیطی با تشکیل حلقه‌های انسانی خواستار حفاظت و جلوگیری از تخریب تپه‌ها شدند.

خرگزاری میراث فرهنگی - چشمه‌های جوشان آهکی توران پشت یزد در حالی یکی از مهمترین محوطه‌های طبیعی زیست محیطی استان یزد به شمار می‌رود که سازمان معدن و تجارت یزد برای دومین بار و بدون هماهنگی با سازمان محیط زیست و استعلام از اداره میراث فرهنگی استان اقدام به صدور مجوز برای برداشت سنگ از این محوطه طبیعی کرده است. این در حالی است که این تپه‌ها به شماره ۱۹۰ در فهرست آثار طبیعی کشور به ثبت رسیده است.

به گزارش CHN، این تپه‌ها که چند سال پیش با مجوز سازمان صنعت و معدن به منظور برداشت سنگ مورد تخریب قرار گرفت هم‌اکنون نیز بخش باقیمانده آن با درخواست همین سازمان در معرض تخریب قرار گرفته است. این در حالی است که از ده‌ها تپه آهکی ثبت آثار طبیعی استان یزد تنها ۵ تپه باقی مانده و تخریب آن می‌تواند آسیب زیادی به منابع طبیعی و روستای تاریخی

تخت‌رستم که همجوار تپه‌ها قرار دارد وارد کند.

مدیر کل اداره میراث فرهنگی استان یزد در این رابطه به خیرگزاری میراث فرهنگی می‌گوید: «چشمه‌های جوشان آهکی توران پشت در حالی به شماره ۱۹۰ در فهرست آثار طبیعی کشور به ثبت رسیده که رییس سازمان معدن و تجارت یزد طی تماس و استناد به تبصره‌ای درخواست تمدید مجوز برداشت سنگ از تپه‌های آهکی را کرد.»

مجوز اولیه تپه‌های آهکی استان یزد سالها پیش در حالی صادر شده بود که این محوطه به ثبت آثار طبیعی نرسیده بود اما در حال حاضر با ثبت این تپه‌ها صدور هرگونه مجوز و اقدامی از سوی بخش خصوصی خلاف قوانین جاری کشور محسوب می‌شود. آطور که رییس اداره کل میراث فرهنگی استان یزد می‌گوید، اداره میراث فرهنگی یزد به همراه سازمان محیط زیست این استان در حال پیگیری است و به هیچ وجه با برداشت مجدد از این تپه‌ها موافقت نخواهد کرد.

او ادامه داد: «در حال حاضر درخواست سازمان معدن و تجارت جهت بررسی به شورای عالی معادن ارسال شده و امید می‌رود که شاخص‌های طبیعی و زیست محیطی این تپه‌ها مورد توجه مسئولان این نهاد قرار بگیرد. چراکه در آخرین بازدی که از این تپه‌ها انجام شد از ده‌ها تپه‌هایی که در این منطقه وجود داشت تنها ۵ تپه باقی مانده، بنابراین این آثار ملی نباید به خاطر سود و منافع فردی از بین برود.

مدیر اداره کل حفاظت محیط زیست استان یزد نیز با تأکید بر حفاظت تپه‌های آهکی گفت: «طبق قانون جدید معادن، سازمان صنعت و معدن به استثنای مناطق ۴ گانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست هیچ گونه الزام قانونی مبنی بر استعلام از محیط زیست به هنگام صدور مجوز ندارد. به همین دلیل یکی از مشکلات اصلی کشور و استان‌های چون یزد که

در زمره استان‌های معدن خیز به شمار می‌روند صدور مجوز در محوطه‌هایی که شاخص‌های زیست محیطی را دارند اما تحت نظارت محیط زیست قرار ندارند مشاهده می‌شود.»

در حال حاضر درخواست‌های متعدد و بسیاری در این خصوص به سازمان صنعت معدن و تجارت داده می‌شود و این سازمان بدون کسب نظر محیط زیست و صرفاً با اخذ موافقت منابع طبیعی آن هم صرفاً برای جبران خسارت وارده بر مراتع در حریم معدن اقدام به صدور مجوز می‌کند. مجوزی که نمی‌تواند پاسخگوی بسیاری از شاخص‌های زیست محیطی دیگر مانند وجود سکونتگاه، منابع آب، جهت بادهای غالب، وجود تنوع زیستی و همچنین آثار تاریخی و میراث فرهنگی باشد.

## مردی که از هر انگشتش یک هنر می‌بارید

از: میثم اسدی

محمد تقی بهار، نامور به ملک الشعراء، در شانزدهم آبان ۱۲۶۵ خورشیدی در مشهد چشم به جهان گشود. پدرش محمد کاظم صبوری شاعر روزگار ناصری بود و مادرش نیز به دانش و ادب دل بستگی داشت. در کودکی و نوجوانی، شاگرد پدرش و «صید علی‌خان درگزری» و «میرزا عبد الجواد» ادیب نیشابوری بود. در همان دوران جوانی شور آزادی و نوجوانی وی را به گروه مشروطه خواهان پیوند زد و به انجمن سعادت خراسان پیوست. در همین زمان بود که سروده‌های سیاسی خود را در روزنامه خراسان به چاپ می‌رساند. وی از دشمنان سرسخت محمد علی شاه بود. تلاش‌های سیاسی او پس از انتشار روزنامه‌های «نوبهار» و «تازه بهار» شوندی (دلیلی) شد بر اینکه او را دستگیر کنند و در تهران به زندان بیاورند. با این همه پس از آزادی، در سال ۱۳۲۲ م‌هی توانست به عنوان نماینده مردم درگز وارد سومین دوره مجلس شورای ملی شود. در سال ۱۳۳۴ م‌هی «انجمن ادبی دانشکده» و «مجله دانشکده» را بنیان گذاشت. وی بارها روزنامه‌ی نوبهار

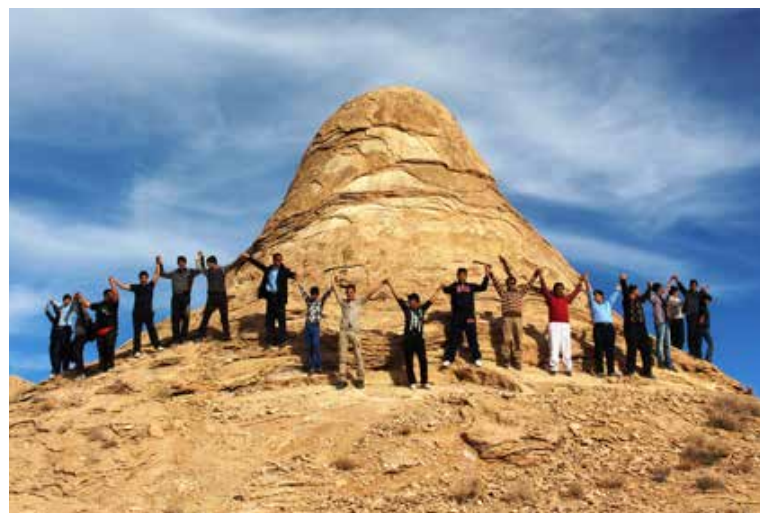
را با وجود اینکه بارها بسته شد به چاپ رساند. کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی شونند ناراحتی و خانه نشینی او شد. با روی کار آمدن قوام السلطنه وی دوباره به مجلس راه یافت و تا پایان مجلس ششم دست از تلاش‌های سیاسی خود برنداشت.

پس از مجلس ششم اگرچه به کاندوکا در دانش و آموزش پرداخت ولی باز هم به زندان افتاد. پس از آزادی زمانی را در تبعید در اصفهان بسر برد. اما سرانجام با پادرمیانی محمدعلی فروغی به تهران بازگشت. از این زمان تا پایان روزگار رضاشاه پهلوی وی به پژوهش در نوشتارهای کهن و کاندوکاهای ادبی و زبانی دست زد و به تصحیح کتاب‌های «مجموع التواریخ و القصص»، «جوامع الحکایات عوفی» و «تاریخ بلعمی» پرداخت. او که زبان پهلوی را نزد هرتسفلد فرا گرفته بود، برگردان کتاب‌های پهلوی «یادگار زریران» و «اندزهای آذربادمار اسپندان» را به سرانجام رساند. «احوال فردوسی» و «سیک‌شناسی» دیگر اثر بارز او، در همین زمان نگاشته شد. وی در سال ۱۳۱۶ به تدریس در دوره‌ی دکتری ادبیات پارسی پرداخت و پس از نابودی دولت رضاشاه در سال ۱۳۲۰ را آغاز کرد. در سال ۱۳۲۲ خورشیدی کتاب «تاریخ مختصر احزاب سیاسی» را نوشت. سپس به مدت چهار سال فرنشین (رئیس) کمیسیون ادبی «انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی» بود. همچنین نخستین کنگره نویسندگان ایران در سال ۱۳۲۴ خورشیدی از سوی این انجمن و به فرنشینی محمد تقی بهار آغاز بکار کرد.

وی در بهمن ۱۳۲۴ در کابینه قوام وزیر فرهنگ شد، اما وزارتش به شونند اینکه خود کنار رفت ندان به درازا نکشید. در ۱۳۲۶ خورشیدی نماینده مردم تهران در مجلس پانزدهم شد و فرنشینی فراکسیون حزب دموکرات را به دست گرفت. با این همه وی در همین زمان دچار بیماری سل شد و ناگزیر بود برای درمان به سویس برود. دشواری‌های مالی، وی را ناچار کرد که درمانش را نیمه‌کاره رها کند و به ایران بازگردد. بهار در بازگشت به ایران تدریس دانشگاهی را دنبال کرد و در سال ۱۳۲۹ خورشیدی به فرنشینی «جمعیت ایرانی‌هاواداران صلح» برگزیده شد. سرانجام این سیاست‌مدار و دانشمند بزرگ کشورمان، به روز دوم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ خورشیدی در تهران زندگی را بدرود گفت. از این دانشمند گرانقدر که از هر انگشتش یک هنر می‌بارید آثار بسیاری که به شماری

از آنان اشاره کردیم به یادگار مانده است. نوشتارهایش الگویی برای دانش‌دوستان امروز است. دل بستگی به ایران بسیار بود و بارها برای آزادی به زندان افتاد. تلاش‌های او برای پیشرفت فرهنگ و هازمان (جامعه) ایرانی شگفت آدمی را بر می‌انگیزد. «دیوان اشعار» او توجه شاعران و نویسندگان را به خود جلب کرده است و سروده‌هایش از ارزش بالایی در روزگار ما برخوردارند. از میان سروده‌های زیبای او می‌توان به مستزاد نامور «کار ایران با خداست» اشاره کرد که در هنگام پیروزی مشروطه سروده شده است:

با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست  
کار ایران با خداست  
مذهب شاهنشاه ایران ز مذهبها جد است  
کار ایران با خداست  
شاه مست و شیخ مست و شحنه مست  
میر مست  
کار ایران با خداست  
هر دم از دستان مستان فتنه و غوغا به پاست  
کار ایران با خداست  
مملکت کشتی، حوادث بحر و استبداد خس  
کار ایران با خداست  
کار پاس کشتی و کشتی‌نشین با ناخداست  
کار ایران با خداست  
پادشاه خود را مسلمان خواند و سازد تپاه  
خون جمعی بی‌گناه  
ای مسلمانان! در اسلام این ستمها کی  
رواست؟  
کار ایران با خداست  
باش تا خود سوی ری تازد ز آذربایجان  
حضرت ستار خان  
آن که توپش قلعه کوپ و خنجرش  
کشورگشاست  
کار ایران با خداست  
باش تا بیرون ز رشت آید سپهدار سترگ  
فر دادار بزرگ  
آن که گیلان ز اهتمامش رشک اقلیم بقاست  
کار ایران با خداست  
باش تا از اصفهان صمصام حق گردد پدید  
نام حق گردد پدید  
تا ببینیم آن که سر ز احکام حق پیچد کجاست  
کار ایران با خداست  
خاک ایران، بوم و برزن از تمدن خورد آب  
جز خراسان خراب  
هرچه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست  
کار ایران با خداست



## سیمای زنان ایرانی در صورتهای زنان خاور دور

از: شهاب ستوده نژاد

که رنگ موی قرمز طبیعی در میان بعضی طبقات اجتماعی ژاپن و کره و چین و ممالک جنوب شرقی آسیا یک پدیده عادی است. توجه به رنگ مو در حال حاضر بیشتر برای الگو از زنان غربی و کاربرد موهای بلوند و روشن است.

سبک و رنگ مو در صورتهای زنان تاثیر می گذارد و بلندی موهای زنان در جوامع خاور دور می توانسته استوار بر تاثیراتی غیر مغولی بوده باشد. از نقطه نظر خصوصیات ظاهری، زنان ژاپنی دارای خصوصیات زنان ایرانی هستند. شاید تعبیر نگارنده به دلیل حضور نشانه های متعدد قومی در هویت مردم ژاپن باشد. اما در کره جنوبی سیمای اکثر زنان تا حد زیادی کاملاً مغول آمیزه است و به سختی می توان نشانه ها و یا انگیزه هایی غیر معمولی در میان آنها مشاهده کرد. اما در عین حال شاید که رگه هایی وجود داشته باشد که در ارتباط با ترکان

در خاور دور، دختران و زنانی که چشم های درشتی داشته باشند بیشتر مورد توجهات اجتماعی قرار می گیرند، ضمن اینکه مطالعات تمدن نشان می دهد که اشراف ژاپنی در اوایل هزاره اول میلادی، دارای خصوصیات ظاهری قابل تطبیقی با نژادهای غیر مغولی داشته اند. در اوایل هزاره اول دهه ۱۹۹۰ میلادی به نگارنده اطلاع داده شد که در یکی از اماکن باستان شناسی در شرق آسیا مجسمه ای بدست آمده که بعضی محققان خصوصیات صورت زنی را در آن مشاهده کرده اند که از بسیاری جهات مشابه سیمای زنان باستانی ایران است.

در طی یک دوره ۷ ساله پژوهشی در ژاپن و دوره ۱۴ ساله مطالعاتی در جنوب شرقی آسیا مشاهدات مداومی در رابطه با موضوع شباهت ظاهری و احتمالاً قومی زنان خاور دور داشتم. در یکی از متون ادبی ژاپن که یک ندیمه درباری موسوم به «موراساکی آنرا» به رشته تحریر درآورده بود، به رنگ گیسو، و فرم موهای زنان درباری ژاپن اشاره رفته است. زنان اشرافی ژاپن در سده های دهم و یازدهم موهای سیاهی داشتند و تا عصر حاضر سیاهی موی زنان نشانه اصالت قومی محسوب میشود.

وقتی یکبار با دوست ژاپنی در مورد رنگ موی زنان کشورشان تبادل نظر میکردم، ایشان سعی کرد که بگوید موی قرمز در زنان ژاپنی رنگ مو است، در حالیکه رنگ موی قرمز، و یا قهوه های روشن نمی تواند برای دوشیزگان و بانوان، رنگ دلپسندی باشد. این یک تصور فرضی است. در حقیقت توجه به خصوصیات ظاهری زنان در متن یاد شده نمایانگر توجه به اصالت و هویت زنان ژاپنی است، ضمن این

شناسی در آسیای میانه است. با توجه به موقعیت جغرافیایی اقوام مهاجر که به محورهای مختلف و آب هوای متفاوتی جذب شده بودند، میتوان به شباهت ظاهری زنان آسیایی توجه کرد. در مناطق شبه جزیره مالایی در کشور مالزی امروزه زنانی وجود دارند که بر خلاف هویت مغول آمیزه، سیمایی خاور میانه ای دارند.

می توان گفت که در میان زنان خاور دور، سیماهای ژاپنی و مالزیایی، بیشترین میزان شباهت ظاهری به زنان ایرانی را نمایان می سازند. در تایلند این پدیده تطبیق با هویت سیامی است، ضمن اینکه قد و قامت زنان تایلندی و کوتاهتر دارد، و رگه های پوستی قابل تطبیق با قومیت ایرانی را دارا هستند، زیرا رنگ پوست و توصیف «سبزه» در میان آنها تقریباً مشابه زنان ایرانی است. اما شاید بهتر باشد که از لفظ هند و ایرانی در رابطه با زنان تایلندی استفاده شود، زیرا خصوصیات هندی در اخلاق و عادت خود دارند و تاریخچه اختلاط با برهمنان هند در مناطق شبه جزیره ای تایلند، قدمت طولانی دارد.

مردم جنوب تایلند بویژه زنان دارای شباهت فراوانی با مردمان جنوب ایران هستند. از طرفی سیمای زنان ویتنامی اصیل و همینطور بانوان اشرافی برمه دارای عناصری ایرانی

مهاجر به شرق آسیا خصوصیات را از محور خاور میانه به خاور دور برده باشند. زیرا مغول ها برای مدتی در کره نفوذ داشتند. بطور کلی نشانه های اختلاط های قومی در میان چینی ها و ژاپنی ها محسوس تر به نظر میرسند.

زنان ژاپنی ابروهای قوس دار و حتی بینی هایی مشابه سیمای مردمانی از خاور میانه را تا اندازه ای دارند و با کمی دقت و کنجکاوی که لازمه اش مشاهدات است می توان اینگونه خصوصیات را در سیمای بعضی از زنان ژاپنی کشف کرد. گفته میشود که در گذشته های دور زنان ایرانی پایه گذار آرایش صورت با نوعی پودر بوده اند که رفته رفته به آسیای میانه و از آنجا به خاور دور منتقل شده است. متون کهن به خصوصیات و خصلت ها و دیگر صفات برجسته ایرانی بویژه در سده های ۱۱ تا ۱۳ میلادی اشاراتی دارند، که شامل اشاراتی در دوره ایلخانی بوده است. اما پژوهش های مردم شناسی، به تضادهای موجود در اسکت ها و جمجمه ها و خصوصیات مردم خاور دور و دیگر اقوام آسیایی توجه نشان داده است. با این حال مردم شناسی فرهنگی در آسیای میانه بویژه در محور فرغانه و پامیر ادعا به اختلاط اقوام نژاد مغولی و ایرانی ها دارد. این ادعا وابسته به مطالعات و اندازه گیری های مردم

هستند. مطالعات تمدن نشان می دهد که جوامع جنوب شرقی آسیا از دیرباز زیر نفوذ فرهنگی تمدن اسلامی قرار گرفتند در حالیکه در آن شرایط هویت و آیین بودایی داشتند.

اختلاط های نژادی مابین مسلمانان و مردمان بودایی از سده هفتم میلادی به بعد بطور متناوب در چین و آسیای جنوب شرقی انجام می شده است.

در این پژوهش انگیزه اصلی، توجهاتی به شباهت های سیمای زنان خاور دور در محورهایی بوده که تمدن اسلامی در آن مناطق تاثیرات قومی نداشته و به و صلت های قومی - مذهبی نیانجامیده است. اما احتمالاً مهاجرت تیره های آریایی به سمت سرزمین های متروک و خالی از سکنه قرنهای پیش از اسلام تاثیراتی قومی را به خاور دور برده باشد، زیرا باستان شناسی های شرق آسیا به کشف اشیاء و ابزارهای اقوام اسب سوار مهاجر اشاراتی دارد، و احتمالاً تیره های آریایی با مردم خاور دور اختلاط های قومی و زبانی تشکیل داده اند و هنوز بعد از قرنهای می توانیم رگه هایی از سیمای زنان آریایی را با نگرش ایرانی در سیمای زنان خاور دور جستجوگر باشیم.



## محیط زیست زباله دانی نیست

چه کسی را سراغ دارید که تا کنون با بی قیدی ته سیگاری یا پاره کاغذی را به زمین نینداخته باشد؟ این حرکات کوچک چندان هم بی ضرر نیستند و طبیعت برای جذب آنها به مدت زیادی نیاز دارد. باکتریها و قارچ های زمین عواملی شایسته در محیط زیست هستند. این موجودات که در هر گرم خاک سر به میلیاردها می زنند کارگران نا پیدایی هستند که با آنزیم هایی که تولید می کنند، زباله های آلی را به واحدهای کوچکی به نام «مونومر» تقسیم می کنند. زمان واپاشی با توجه به عوامل مختلف تغییر می کند:

**وضع زمین:** یک دشت برای فرایند واپاشی مساعدتر از زمین اسکی است که خاک آن فشرده و نشست کرده و فاقد خاک کود و در نتیجه «ریزسازواره» است.

**دما:** سرما فرایند واپاشی را متوقف می کند. اما وقتی که هوا گرم و مرطوب باشد ریزسازواره ها فعال می شوند و سریع تر عمل می کنند.

**جنس زباله:** میکروبها برای جذب شیشه و پلاستیک چندان آمادگی ندارند.

**شرایط دیرانداختن زباله:** هرچه زباله بیشتر در زیر خاک قرار بگیرد، فشرده و فاقد اکسیژن باشد

### جشن مهرگان

از: مسعود ایمانی

ستایش مهر یزدان را که جشن مهرگان آمد  
سوار مهربانی ها به کوی عاشقان آمد  
بیا ای عاشق صافی به گلگشت دل آرایی  
که روز مهر و ماه مهر و یار مهربان آمد  
خوشا آن ایزد مهری نویدش صبح خوش روزی  
ز گلزار اهورایی به جان ها گل فشان آمد  
شود با حلقه مهرش یکی زنجیره از دل ها  
به آیین وفا جانانه با پیرمغان آمد  
ز نور و گرمی اش هستی به شور و شوق و سرمستی  
جهان را خرمی بادا که فر جاودان آمد  
به گرد آتش یادش بسوزد خرمن غم ها  
خوشا بر باغ و بستان ها بهاری در خزان آمد  
ز دهقان می رسد جانا همی آوای شکرانه  
ز رنج گندم افشانی، چه گنج شایگان آمد  
سروش آرزو دارد سرود مژده بر یاران  
سپاه پرشکوهی با نشان کاویان آمد  
فروغ خسروانی تا فریدون را کند جانان  
به ضحاک ستمگر بین خروشی بی امان آمد  
بسوزان خانه غم را ندارد حاصلی جز غم  
ببفروز آتشی صورت که پیک شادمان آمد

طول زمان واپاشی بیشتر می شود. مقدار زباله: فراتر از مقدارمعینی از زباله، هر چند هم زباله ها طبیعی باشند باکتریها و قارچها قادر به فعالیت نیستند.

بنابراین برخورد زباله با محیط زیست می تواند شکل های گوناگونی پیدا کند اما یک چیز محرز است:

پیش از خالی کردن جیب ها و کیسه ها در طبیعت و محیط زیست کمی بیندیشید.

طبیعت برای واپاشی هر یک از اقلام زیر چقدر وقت می گذارد.

**دستمال کاغذی سه ماه**

دستمال کاغذی را مچاله نکنید. در محیطی نسبتا مرطوب واپاشی یک دستمال کاغذی مصرف شده تقریبا سه ماه طول می کشد و پس از پایان این مدت عملا چیزی بجز آب و گاز کربنیک باقی نمی ماند.

اگر دستمال کاغذی را مچاله کنیم مسلما کمتر به چشم می خورد، اما مدت زمان تجزیه آن طولانی تر از دستمالی میشود که بر روی زمین پهن شده باشد. اگر دستمال را در عمق خاک دفن کنیم بار هم بر طول این مدت افزوده می گردد و اگر آنرا در یک کیسه پلاستیکی قرار داده و آنرا زیر زباله های دیگر بگذاریم نیز دیرتر تجزیه میشود.

ته سیگار فیلتر دار یک تا دو سال یک تا دو سال طول میکشد تا ته

سیگارهای فیلتر دار که روی خاک افتاده اند از بین بروند.

قسمت فیلتر دار از استات سلولز، یک ترکیب صناعی است. آنزیم های باکتریها و قارچ ها که به مواد طبیعی عادت کرده اند برای تجزیه این ماده چندان آمادگی ندارند. بنابراین به نسبت ته سیگارهای معمولی زمان بیشتری برای تجزیه صرف می کنند.

**فندک های یکبار مصرف ۱۰۰ سال**

در میان اسباب و لوازم سیگارهایی فندک پلاستیکی بیشتر از همه می پاید. در ارتفاع ۱۸۰۰ متری پس از دو سال فولاد به زحمت شروع به زنگ زدن می کند و یک جعبه کوچک پلاستیکی مدت ها سالم و دست نخورده باقی می ماند.

**آدامس چسبنده ۵ سال**

قسمت اعظم آدامسی که به زمین افتاده، پس از ۵ سال در اثر نور و اکسیژن هوا، که چسبندگی آن را از بین می برند. اما نمی دانیم که آیا همه مواد ترکیب کننده آن هم دچار واپاشی می شوند یا نه. پیش از همه آدامس به زیر کفش عابران بی توجه می چسبد. این نخستین مرحله واپاشی است که یک عمل مکانیکی است. آدامس مخلوطی از صمغ ها و سقزها طبیعی است که از درختان استخراج میکنند و همچنین صمغ های صناعی، قند، شربت گلکز، مواد معطر و مواد رنگی و معمولا گفته میشود که زیانی ندارد حتی اگر پوسیدگی

دندان ایجاد کند. بنابراین می توان چنین تصور کرد که برای محیط زیست هم زیانی ندارد.

**جعبه فلزی نوشابه ۱۰ سال**

بنا بر گفته سازندگان جعبه های نوشابه طی ۵ سال به حالت اکسید آهن در می آیند اما فقط پس از گذشت دو تابستان بارانی است که زنگ زدگی شروع به حمله به جعبه میکند که از لایه های فولادی به ضخامت ۲۱۰ میکرون، پوشیده از قلع و روی ساخته شده است. این واپاشی شیمیایی ناشی از اکسید شدن فولاد به وسیله اکسیژن آب است. آلومینیوم از آن هم دیرتر می پوسد زیرا به خوردگی چندان حساس نیست. جسمی آلومینیومی در هوای آزاد می تواند ۱۰۰ سال دوام بیاورد تا تبدیل به غبار شود.

**بطری های پلاستیکی ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ سال**

برای واپاشی یک بطری پلاستیکی به قرن ها وقت نیاز است. اگر به دور از نور و زیر خاک باشد بر طول آن باز هم افزوده می شود. طی ۵۰ سال اخیر مقاوم ترین و تجزیه ناپذیر ترین مواد بسته بندی مانند پلی اتیلن و پلی کلرد ابداع شده اند. پلاستیک در مجاورت آب تجزیه نمی شود زیرا دفع کننده آب است. اما به پرتو فرابنفش حساس است. پس به محیط زیست احترام گذاشته و آن را پاکیزه نگهداریم.

### عشق و آزر



شبا هنگ بر چرخ گردان بگشت  
در خوابگه نرم کردند باز  
خرامان بیامد به بالین مست  
چو خورشید تابان پر از رنگ و بوی  
به بالا به کردار سرو بلند  
تو گفتمی که بهره ندارد ز خاک  
برو بر جهان آفرین را بخواند  
چه جویی شب تیره کام تو چیست؟  
تو گویی که از غم به دو نیمه ام  
ز پشت هژبر و پلنگان منم  
چو من زیر چرخ کبود اندکی ست  
نه هرگز کس آوا شنیدی مرا ....  
نبیند جزین مرغ و ماهی مرا  
خرد را ز بهر هوا کشته ام  
نشاند یکی پورم اندر کنار....

«حکیم فردوسی»

چو یک بهره از تیره شب در گذشت  
سخن گفتن آمد نهفته به راز  
یکی بنده شمعی معنر به دست  
پس پرده اندر یکی ماه روی  
دو ابرو کمان و دو گیسو کمند  
روانش خرد بود تن جان پاک  
از او رستم شیردل خیره ماند  
بپرسید زو گفت نام تو چیست؟  
چنین داد پاسخ که تهمینه ام  
یکی دخت شاه سمنگان منم  
به گیتی ز خوبان مرا جفت نیست  
کس از پرده بیرون ندیدی مرا  
ترا ام کنون گر بخواهی مرا  
یکی آنک بر تو چنین گشته ام  
و دیگر که از تو مگر کردگار

# ایزدی ها : باورها ، آیین ها و زندگی شان

از: بوذرجمهر پرخیده  
ایزدی ها کیستند؟

ایزدی ( به کردی : یا یزیدی ) گونه ای مذهب در کردستان است که پیروان آن در شمال عراق ، سوریه ، جنوب شرقی ترکیه و قفقاز زندگی می کنند . اجداد ایزدی ها به دست « شیخ عدی » به اسلام گرویدند . « شیخ عدی » و ملک طاووس « از مقدسه های آیین ایزدیها هستند . طاووس ، نماد این طایفه است . آنها بر این باورند که « طاووس » نماد « فرشته اعظم » است .

بیشتر ایزدی ها در کردستان عراق ، کردستان ترکیه ، کردستان سوریه و بخش کرد نشین ارمنستان و اطراف تقلیس زندگی می کنند . شماری نیز به آلمان و برخی کشورهای دیگر کوچیده اند . اگر چه آمار رسمی و روشنی از شمار آنان در دست نیست ، ولی در مجموع پانصد هزار تن برآورد شده اند که نزدیک به دویست هزار تن از آنان در عراق زندگی می کنند .

«ایزد» همان «یزدان» در دین زرتشتی است و نام ایزدی ها از این ریشه گرفته شده است . سنی های افراطی مانند دولت اسلامی داعش بر این باورند که آنها شیطان پرستند و برخی شیعیان گمان می برند ایزد همان یزید برگرفته شده از نام یزید بن معاویه خلیفه دوم اموی است . ولی پژوهش ها ثابت کرده اند که این نام هیچ پیوندی با یزید ندارد و از واژه فارسی ایزد آمده است ، به معنای ستایش شده . آنها خود را ایزدی ها یا «پرستندگان یزدان» می دانند .

## پیشینه

ایزدیها تاریخ مذهب خود را به ۴ هزار سال پیش می رسانند ، ولی به گفته پژوهشگران ، کیش ایزدی در قرن ۱۴ میلادی در جنوب جلگه بین النهرین پدید آمده است . ایزدی ها بر این باورند که قدمت کیش آنان به زمان پیدایش بشر باز می گردد و ایزدیان از نسل حضرت آدم اند و نه از نسل حوا . در حالی که در باور ادیان ابراهیمی ، ابنای بشر حاصل ازدواج آدم و حوا هستند . ایزدیان خود را حاصل پسری می دانند که از بذری آدم کشت پدید آمد و سپس با یک حوری وصلت کرد با وجود آنکه در باور ایزدی ها ، دین آنان پیشینه ای به قدمت تاریخ بشر دارد ولی تاریخ نویسان ، کیش ایزدی را در شمار دیگر فرقه هایی طبقه بندی می کنند که پس از اسلام ، به نیت احیای سنت های پیشینیان و با انگیزه حفظ و باز یافت هویت تاریخی در نقاط مختلف خاورمیانه زاینده شدند

و رشد کردند هر چند بنیان گذارشان صوفی های مسلمین بودند .

اهل این کیش ، به وسیله شیخ عدی بن مسافر اموی که عوام وی را شیخ عدی می نامند مسلمان شدند . برخی معتقدند که ایشان به دلیل تشابه نام یزید با کیش خود او را امام خود دانسته و حتی به مقام خدایی رسانید ه اند . اولین دانشمندی که توجه پژوهشگران را به آنها جلب کرد « احمد تیمور پاشا » بود که به این مسأله اشاره می کند که از این قوم بیش از سده ششم قمری نامی در تاریخ نیامده بود . این زمان همان زمانی است که شیخ عدی بین آنها آمده و طریقه عدویه را بنیان نهاده است . ابوفراس در کتاب خود در سال ۷۵۲ قمری آنها را به همین نام می خواند .

پژوهشگر دیگر « ابوسعید محمدبن عبدالکریم سمعانی » در کتاب الانساب مینویسد : جماعت بسیاری را در عراق



در کوهستان «لوان» و نواحی آن دید ه که ایزدی بودند و در دیه های آن جا به صورت زاهد اقامت داشتند و گلی بنام « حال » می خورند . ای گل را برای تبرک از مرقد شیخ عدی بر می دارند و آن را با نان خمیر می کنند و به صورت قرص در آورده و گاه گاه می خورند و آنرا « برات » نامند .

## باورها و آیین ها

باورهای ایزدیان ، پیش از اسلام به مناطق یاد شده ، میان آنها و جود داشته و تحت تاثیر دین زرتشتی و مانوی بوده است . هم چنین عقاید مهرپرستی بر آن تاثیر داشته . تاثیراتی از دین یهود و فرقه تسطوری و عقاید صفویه پس از اسلام نیز در منابع برشمرده شده اند .

نام خدای آنها « یزدان » است . تصور بر آن است که او در چنان منزلت بالایی است که نمی تواند به طور مستقیم پرستش شود . نقش این مرتبه الهی در عین حال نقشی غیر فعال است . او خالق جهان است ولی نگهدارنده آن نیست . ۷ روح بزرگ از او تایید شده که مهمترین آنها فرشته طاووس یا آنگونه که در آیین مسیحیت باستانی ، طاووس

نماد جاودانگی و گاه بد اندیشی بوده زیرا که گفته میشود گوشت او فاسد نمی شود ملک طاووس در باور ایزدیها نفس آغازتین الهی و از او جدا ناشدنی است با این ارزیابی آیین ایزدی آیینی تک خدایی است .

ایزدیها ۵ بار در روز ملک طاووس را نماز می برند . نام دیگر او شیطان است که در اسلام به فرشته رانده شده از درگاه خدا گفته میشود . همین موجب شده که ایزدی ها را گاهی به اشتباه شیطان پرست می نامند . ایزدیها به تناسخ اعتقاد دارند ، به این معنی که روح به طور متناوب تا تطهیر کامل در جسم حلول میکند و به این شکل کاربرد دوزخ از بین میرود .

بدترین سرنوشت برای یک پیرو آیین ایزدی ، رانده شدن از جامعه ایزدی است ، چرا که این به معنی آن است که روح او دیگر هرگز پیشرفتی نمی کند گفتگو با هر دین و آیین دیگر هم برای آنها ناممکن است

عقاید آنها تلفیقی از مذهب های گوناگون است ، برای نمونه ، آنها مانند کلیمیان به قربانی و نذورات ، مانند مسیحیان به غسل تعمید



و مراسم عشای ربانی میپردازند و حتی عروس این قوم در لباس سرخ از کلیسای مسیحی بازدید میکند و مانند مسلمانان به سنت ختنه باورمندند . باور به تناسخ و سیر تکامل روح از راه زایش های پی در پی و دمیده شدن در کالبد های پیا پی ، ایزدیان را به گونه ای آیین و راه و رسم شرقی پیوند میدهد . از سوی دیگر ، ایزدیان همچون زرتشتیان ۵ بار به شیوه خود نماز می گزارند و قبله شان در ۴ بار از این نماز های ۵ گانه خورشید است . ایزدیها دارای دو کتاب مقدس اند : کتاب جلوه که در آن اصول اعتقادی آنها گزارش شده و دو دیگر کتابی است به نام مصحف که در آن مجموعه دعاها و سرودهای آنها در ستایش بزرگان شان ثبت شده است .

ستایش و نماز بردن به عناصری چون خورشید و آتش در این آیین نشانه هایی از باورهای باستانی ایران ، مهرپرستی و دین زرتشت دارد . معابد آنها اغلب با تصویر خورشید آراسته شده و گورهای آنها به سمت شرق در جهت بر آمدن آفتاب است .

ایزدیان هم مثل بسیاری از پیروان دین

های باستانی ایران باور دارند که جهان هر چه در اوست از ۴ عنصر اصلی یعنی آب ، باد ، خاک و آتش ترکیب یافته است .

در ماه دسامبر ، ایزدیها سه روز ، روز می گیرند و بعد از آن با پیر خود شراب می نوشند . از روز ۱۵ تا ۲۰ سپتامبر مراسم زیارت همگانی سالانه از آرامگاه شیخ عدی در لالش ، در شمال موصل را برگزار می کنند که طی آن یک مراسم آیین غسل در رودخانه دارند . لباس سنتی این گروه سفید رنگ است و کهنسالان ایزدی در مناطق سنجار در شمال غرب عراق هنوز هم از این لباس سنتی استفاده می کنند .

## جشن در میان ایزدی ها

ایزدیان نوروز را در بهار جشن می گیرند ، ولی جشن جماعیه پاییزی اوج سال مذهبی شان و بسیار مهمتر از جشن سال نو است . پیش از آغاز سال نو ، ایزدیان آتش روشن ، خانه را با گل آراسته و تخم مرغ هایی را برای بچه ها رنگ آمیزی می کنند . در این جشن مراسم یادبود برای مردگان را نیز برگزار میکنند این آیین ها با روزهای پنجه و فروردین گان یکی است .



جشن جماعیه - به مانند مهرگان ، برگرفته از آیین های مهری جشن هفت روزه ای است که با قربانی کردن گاو سفید برای شیخ شمس ( سرور خورشید ) به اوج خود میرسد . شیخ شمس رهبر نخستین این مذهب است ، ولی این رهبر را اکنون عضوی از «هفتا» می دانند که با خورشید در پیوند است . جشن میترا ، همتای آشکار مهرگان زرتشتی است که رابطه نزدیکی با خورشید دارد ، از ویژگی های مهرگان قربانی حیوان است . مراسم هایی که آتش در آنها نقش دارد ، در میان جشن ها ، از اهمیت فراوانی بر خوردارند . وظیفه دینی هر ایزدی این است که در صورت امکان ، برای حضور در جشن ، به لالش برود ، عده ای بر این باورند که هفتا در آنجا باشد تا درباره رویدادهای سال نو تصمیم بگیرند . در این گردهمایی ، روحانی هایی که تابستان را برای دیدن جوامع ایزدی در نواحی مختلف گذرانده اند ، با آوردن هدایای معتقدان دیندار ، در محل جشن جمع میشوند .

جشن تابستان که چله تابستان نامیده میشود . پس از دوره ۴۰ روزه برگزار

میشود که در آن ، برخی از بزرگان دین ، روزه می گیرند . جشن اصلی در لالش برگزار میشود که افراد تا پایان دوره روزه گیری ، جشن می گیرند ممکن است دوره روزه گیری مشابهی نیز در زمستان داشته باشند . دوره روزه گیری ایزدیان جدید فقط سه روز طول می کشد که بعد از آن ، به مناسبت تولد چهره ای مقدس ، جشن می گیرند . امروزه ، مراسمهای زمستانی دیگری وجود دارند که در یکی از آنها ، شعله های روشن می شود . که شاید مانند جشن سده باشد . تنها جشن مشترک بین ایزدیان و اهل حق ، روزه ای سه روزه در زمستان است که به دنبال آن جشنی به مناسبت تولد رهبر قدیمی دین برگزار میشود .

ایزدیها از فرهنگی پر مایه و غنی برخوردارند که موسیقی در آن نقش برجسته ای ایفا می کند . پرستش آنها با آداب رنگین و رسوم زیبایی همراه است . سرودخوانی جمعی ، رقص و سماع به سبک صوفیان ، مراسم آب تنی ، افروختن شمع ، نذورات و دعا خوانی گروهی برای مردگان ، ..... ایزدیها همواره گروهی بسته بوده اند ، خود را قومی برگزیده می دانند . بیگانگان را در مراسم و به میان خود راه نمی دهند و باورها و آیین های خود را از دیگران مخفی نگه می دارند .

## گستره و جغرافیا

ایزدی ها ، سده ها در سکونت گاه ها در روستاهای دور افتاده در کردستان و در انزوا زیسته اند و همسایگان مسلمان و مسیحی شان آنان را با نام شیطان پرست می شناسند . که ایزدی ها برای خود نمی پسندند . با این همه جدایی خواهی و گوشه گیری ، ایزدی ها از تبار دیگر کردهایی هستند که در جوارشان زندگی می کنند و زبانی متفاوت با آنان که گویش کرمانجی ( کردی شمالی ) است ، ندارند .

## شیخ عدی

آرامگاه شیخ عدی در روستای لالش در ۳۶ کیلومتری موصل در شمال عراق ، قبله گاه ایزدی ها است و هر ایزدی در صورت توانایی باید در طول عمرش دست کم یک بار به زیارت این آرامگاه برود . موسم این حج تابستان است . در کنار قبلگاه ایزدیان ، چشمه گاه مقدسی قرار دارد که زمزم خوانده می شود . کوهی مقدس است که نامش را عرفات نام نهاده اند . پلی نیز هست به نام پل صراط . در موسم زیارت گاوی را هم قربانی می کنند . شیخ عدی حکاری میان سالهای ۵۵۵ تا ۵۵۸ هجری قمری در حالی که نزدیک به ۹۰ سال داشته است از جهان می رود .

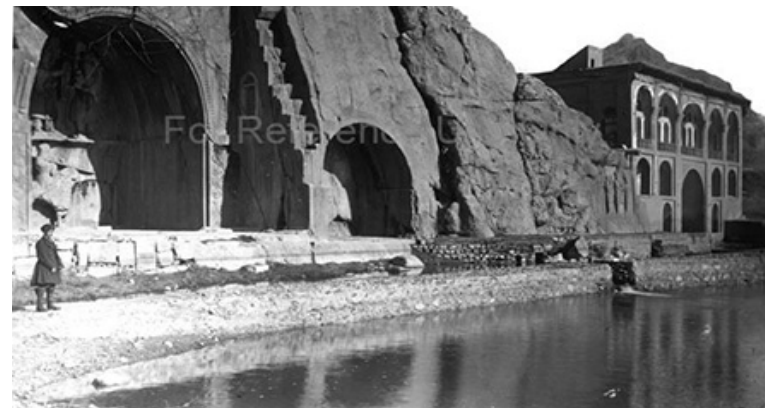
# تاق بستان زیر و رو شد

## بررسی و چرایی خشکیدن چشمه های تاق بستان

از: امرداد

خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها آورده شده که کمی آب به چشمه تاق بستان برگشته و جوشش (فوران) آن مایه شگفتی مدیران و همگان شده است. از سویی دیگر، شماری از کنشگران و دوستداران میراث فرهنگی در اعتراض به خشکیدن این چشمه، زنجیره‌ی انسانی برپا کردند و خواستار رسیدگی و بررسی علمی مدیران استانی درباره

تاق بستان یکی از یادمان‌های ارزشمند ساسانی که بنا بود به سیاهه‌ی جهانی یونسکو بییوندد، به شوند (دلیل) ندانم‌کاری و لجبازی مدیران و کارهای شگفت‌انگیزی که در آن کوی (منطقه) باستانی انجام گرفت و به باور باستان‌شناسان و کارشناسان



ی این رویداد ناگوار شدند. درباره برگشت آب به چشمه نیز باید یادآور شد که این کنش و واکنش‌های (فعل و انفعالات) زمین است و چیز شگفت‌انگیزی نیست و هنگامی می‌توان امیدوار بود که دست کم بازگشت آب تا دوسال ماندگاری

دور از پیش‌بینی (غیرمنتظره) بود، سرانجام کار دست مدیران شهری و استانی و سرپرستان (مسوولان) میراث فرهنگی استان داد و رویدادی ناخجسته و غم‌باری را رقم زد که دل دوست‌داران تاریخ و فرهنگ ایران و کنشگران (فعالان) میراث فرهنگی را



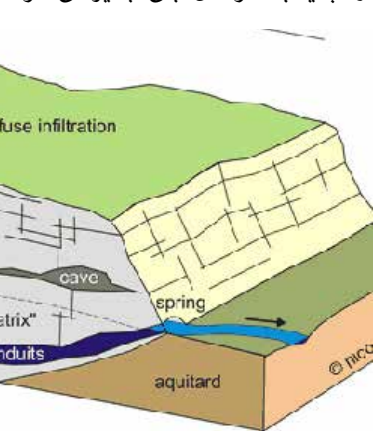
(تداوم) داشته باشد. همچنین بخشی از بازگشت آب به وسیله تانکرها انجام می‌گیرد. زیرا بوی بد آب و زلال و شفاف نبودن و رنگ آن گویای این سخنان است. به هر روی رخداد ناخجسته‌ای پیش آمده و بهتر است که راه چاره و درمانی برای نگیب هنر و دردانه باختر (غرب) ایران زمین یافت. چیز دیگری که باید به آن اشاره کرد درخت ۷۰۰ ساله‌ای است که روبه‌روی تاق بزرگ جای گرفته

نه تنها به درد آورد، بلکه آنان را در سوگی بزرگ فرو برد. در گفت‌وگو با مردم بومی (محلی) و کارشناس میراث فرهنگی و مرمت‌گر یادمان‌های تاریخی به بررسی و چرایی خشکیدن چشمه تاق بستان پرداختیم. همچنین در گفت‌وگو با باستان‌شناسان به سیمای کهن و باستانی مجموعه تاق بستان پرداخته و درباره امروز آن هم سخن گفتیم. با این همه در چند روز گذشته در

و در حال خشک شدن است و کسی حتی سراغی هم از آن نگرفت! اما مهم‌ترین گناه مدیران استانی دخالت در ریخت طبیعت و زمین بود که باید از طبیعت و زمین که همچون مادری مهربان ما را در دامانش همواره پرورده است پوزش‌خواهی کرد. همچنین مدیران میراث فرهنگی و کارگزاران (عاملان) این فاجعه‌ی ملی باید این دلیری (شهامت) را داشته باشند و از مردم ایران پوزش‌خواهی کنند تا از بار گناهان آنان کاسته شود. زیرا تاوان این کارها از جیب مردم (بیت المال) پرداخته شده است. کارشناس ارشد باستان زمین‌شناسی خشکیدن چشمه تاق بستان را پدیده‌ای طبیعی می‌داند و در همین زمینه گفت: «ناپدید شدن آب چشمه به گونه‌ی زود هنگام و ناگهانی نه یک پدیده بسیار شگفت‌انگیز، بلکه رویدادی باب در چشمه‌های کارستی (به مجموعه‌ای از فرایندهای زمین‌شناسی و پدیده‌های دستامد از آنها در پوسته و سطح زمین گفته می‌شود که بیشتر در بردارنده پدیده‌های ناشی از انحلال سنگ‌ها می‌باشد) است که شرایط خشک‌سالی درکوی مورد نظر وجود داشته است. این موضوع مهم باید به میان آورده شود که چشمه‌ی تاق بستان در این کوی تنها چشمه‌ی خشک شده نیست. من به میانجیگری پژوهش‌های وابسته با پیشه‌ام، چشمه‌های دیگری همانند سراب یاوری، سراب خیرالیاس، سراب هشیلان و... را دیده‌ام که همگی یا به گونه کامل خشک شده یا در حال خشک شدن هستند. اما چون که چشمه تاق بستان در یک جایگاه ویژه (از دیدگاه گردشگری و میراثی) جای دارد مورد توجه جای گرفته است. همچنین باید یادآوری کرد که می‌توان چشم به راه بود که آب چشمه تاق بستان با همان سرعتی که ناپدید شده با یک بارندگی پاییزی دوباره آغاز به فعالیت نماید».

شوند خشک سالی و کمبود آب و پیرو آن خشکیدن چشمه بر اثر دو عامل روی داده است. نخست خشکی آب و هوا و سرزمین (اقلیم) که یک پدیده‌ی کاملاً طبیعی و فراگیر جهانی (جهان شمول) است. ما در یک فاز زمانی میان یخچالی نامدار به «هولوسن» به سر می‌بریم. این زمان از نزدیک ۱۰ هزارسال پیش آغاز شده و می‌توان پیش‌بینی درستی کرد تا چند سال دیگر تداوم خواهد

داشت. اما چیزی که روشن است ما در زمان برنده‌ی (حاد) خشکی آب و هوایی این هنگامه به سر می‌بریم (با توجه به سنجش آن با دوره‌های یخچالی چند ده هزار سال گذشته). دو دیگر بی‌گمان دخالت‌های انسانی و مدیریت ناکارآمد میراث فرهنگی و دیگر مدیران وابسته با این پروژه و همچنین مردم این کوی بوده است. از آن‌جا که آبیاری زمین‌های کشاورزی منطقه دربرگیرنده‌ی دشت‌های نزدیک تاق بستان به گونه‌ی غرق آبی است درسد بالایی از آب یا به گونه‌ی آبی تبخیر می‌شود



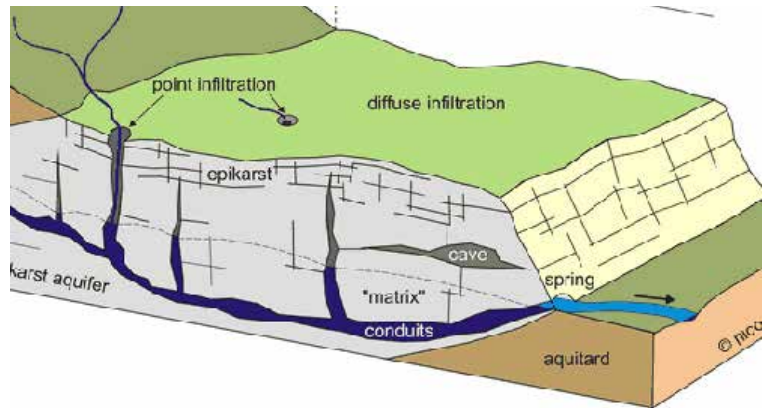
یا پس از رخنه‌ی چند سانتی‌متری در دل خاک پس از مدتی تبخیر خواهد شد. آب‌های تبخیر شده پس از بالا رفتن (صعود) به آسمان به وسیله‌ی ابرها به سرزمین‌های دورتر از دشت پهناور (فلات) ایران جا به جا



می‌شوند. آب به دست آمده برای آبیاری بالا به وسیله‌ی سدها چاه ژرف (عمیق) و نیمه ژرف که روایت‌های گوناگونی از شمار آنان در استان کرمانشاه وجود دارد و گاهی شماری بیش از چند هزار حلقه چاه می‌شود که شمار بسیاری از آن‌ها نیز به گونه‌ی مخفیانه و غیرمجاز ساخته شده و مورد بهره‌برداری جای می‌گیرد».

کارشناس جغرافیا گفت: «بیرون کشیدن (استخراج) دهشتناک آب از این همه چاه برای کشاورزی و همچنین بهره‌گیری بی‌رویه آب خانه‌های مسکونی ده‌ها شهر و سدها روستا شوند فرونشست آب‌های زیر زمینی منطقه شده است. فرو نشست آب‌های زیر زمینی هم بی‌گمان شوند خشکی چشمه‌ی تاق بستان شده است».

در پایان این گزارش باید یادآوری کرد که نگارنده به هیچ روی آهنگ (قصد) تخریب مدیران استانی را نداشته و ندارد، بلکه با آوردن سند



و مدرک لغزش‌های (اشتباهات) آنان را گوشزد کرده است. همچنین راه چاره و درمان را در بهره‌گیری از گروهی از کارشناسان که در برگیرنده‌ی باستان‌شناس، معمار، مرمت‌گر، زمین‌شناس، پژوهشگر آب، محیط زیست، جغرافیدان و کارشناس میراث



فرهنگی و گردشگری است، می‌داند تا با مطالعات گسترده و بررسی‌های علمی عوامل این رویداد پیش آمده را شناسایی کرده و با از میان برداشتن آنان، تاق بستان این نگین فرهنگ و هنر باختر ایران زمین را برای ثبت جهانی در سازمان یونسکو آماده کنند. و این کار انجام نخواهد شد مگر این که همه نهادها و ارگان‌های شهری و استانی و حتی مردم این منطقه و پیرامون آن با یک دیگر همکاری و همراهی کنند.



## بهرام ایرانی

مشاور شما در املاک جهت خرید یا فروش هر گونه املاک مسکونی - تجاری یا زمین با بهترین خدمات

Tel: (818) 645-3134  
email: bahirani@yahoo.com

If you are looking to buy a house or if you want to sell your house, enjoy our best services.

**NCL NATIONAL CHOICE LAWYERS**

**"Rapid. Reliable. Results."**

Koorosh K. Shahrokh, Esq.  
Managing Attorney

Car Accidents  
Defective Products  
Medical Malpractice  
Dental Malpractice  
Birth Injuries  
Brain Injuries  
Wrongful Death  
Mesothelioma  
Premises Liability  
Truck Accidents  
Employment Law  
Nursing Home Abuse  
Business Litigation  
Disability Claims  
Burn Injuries  
Appeals

We will represent you from intake through trial.

Your case is never too big or too small for us to handle.

We will not charge you any fee if there is no recovery.

We will return all your telephone calls and e-mails and keep you informed about your case.

**کوروش کیخسرو شاهروخ**  
**Koorosh Kaikhosrow Shahrokh, Esq.**

**CALL NOW FOR A FREE CONSULTATION**

6345 Balboa Boulevard  
Suite 273, Los Angeles  
California, 91316  
Tel: (818) 996-7301  
Fax: (818) 996-7302

**1-877-682-4652**

www.NationalChoiceLawyers.com  
Mr.K@NationalChoiceLawyers.com

**GET GOING AGAIN!**

## پیشکش فرهنگی به دوستداران فرهنگ ایران

15 cultural songs and their music notes are available for free access.

<http://digitalcommons.cwu.edu/kaviani/>

## اینک ۱۵ سرود فرهنگی رایگان در دسترس شماست.

سرودها از دکتر خداداد (خُدی) کاویانی: نوروز، زادروز زرتشت، جشن اردیبهشتگان، جشن خردادگان، جشن تیرگان، جشن امردادگان، جشن شهریورگان، جشن مهرگان، جشن آبانگان، جشن آذرگان، شب یلدا- جشن دیگان، جشن بهمنگان، جشن سده، چهارشنبه سوری، راه زرتشت



Khodi's email: Khodi1@comcast.net



## پارسی

آنکه ایرانی است و میهن دوست  
پارسی رهگشای بینش اوست

تو ای پور ایران پیروزگر  
ترا دست روزی بود کارگر  
زبان سخن گفتن پارسی  
که پیرومندان زرم آوری  
براندازی آیین نا بخردی  
که ایران زمین باز یابد شکوه

پارسی از اندیشیدن به سرودن

پژوهشی از دکتر امیرجاهد در پارسی سره برای دوستاران پاک پارسی  
در این پژوهش بنیاد های زبان شناسی، انگاره ی نوین پیدایش سخن، دستور زبان پارسی سره بی واژگان تازی، شناخت پارسی از نا پارسی، روش های پارسی گوئی و پارسی نویسی، و بررسی سنجشگرانه ی سرودگان پارسی از گزیده سخنسرایان باستان و همزمانان گرد آمده است.  
دوستاران پارسی سره میتوانند آن را از شرکت کتاب در لوس آنجلس ketab.com و یا از amazon.com خریداری نمایند.

# THE ZOROASTRIAN JOURNAL



The heart of Zoroastrian community in Orange  
The Divine Light of Mazda in Gathas  
The best immigrants America has ever inherited  
...

FALL 2015 . 3753 Zoroastrian calendar

## MEHREGAN Celebration

Issue No. 26

[WWW.czcjournal.org](http://WWW.czcjournal.org)



**The Zoroastrian Journal**

No.26

Publish: Quarterly  
Fall 2015

**Topics:**

Religions, Culture, Social, Science,  
History, News...

**Senior Editors**

Mobed Bahram Deboo  
Shahrooz Ash  
nasrin Ordibeheshti  
mehrddad Mondegari

**Authors/Writers**

Dr. Niaz kasravi  
Dr. Ardeshir Ratan Bulsara  
Malcome Deboo  
Lora Moftah  
judit Neueink  
Mira Pawar  
Dr. D. jahanian

**Director and Publisher:**

California Zoroastrian Center  
A Non Profit Organization

**Graphic Design & Layout:**

Keikhosrow Yektahi

**Printed By:**

LA Web Press

Email: info@CZCJournal.org  
Tel: 714 - 893 - 4737  
Fax: 714 - 894 - 9577  
www.CZCJOURNAL.ORG



**California Zoroastrian Center**

8952 Hazard Ave Westminster, CA 92683

Tel: 714 - 893 - 4737

Fax: 714 - 894 - 9577

Email: info@czcjournal.org

Mazda [Wisdom]; is the Zarathustrian Deity or God. Asho Zarathushtra Spitaman in the Gathas states that he is: Mantra/thought-provoker, Zotar/invoker and Ratu/teacher. Zarathustrians believe in Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds.

The Zarathushtrian sacred text is called the Avesta. The five Gathas in the Avesta are the very divinely inspired words of, Asho Zarathushtra Spitaman; the holiest of the holies. The Zarathushtrian vision is the first scientific view in terms of; ethics, metaphysics and epistemology, dating back somewhere between 4 to 8 thousand years. According to Zarathushtra there is only one deity, Mazda/Wisdom worthy of: worship, praise and celebration. True Zoroastrians follow the path of Asha (righteousness), one should choose to the right thing because it is right. Our belief teaches us to respect these four elements: Water, Fire, Air and Earth because they sustain human life. Zarathushtra says that the divine is present within each one of us and in all things. This divine flame should not be contaminated, but sustained by good thoughts, good words and good deeds. In the Avestan text Yasna 17.11, Zarathushtra expresses his beautiful thought by speaking of the fire in all things, the fire within each one of us. If the divine is present in all of us, then one must accept that Humans are divine, sacred and holy.

In fact all beings with life are a divine. Zarathushtra is the first person to advocate freedom of choice; this is why Zarathushtra is known to be the father of free will.

“Zoroastrianism has been identified as one of the key early events in the development of philosophy.”

Blackburn, Simon (1994). The Oxford Dictionary of Philosophy. Oxford: Oxford University Press.



page 4

Cover Story

-Mehregan Celebration

page5

News

-Muslim Kurds abandon their religion for Zoroastrianism to escape extremism  
-The Wiley - Blackwell Companion to Zoroastrianism  
-The heart of Zoroastrian community in Orange

page 6

-The heart of Zoroastrian community in Orange  
-A Zoroastrian from Kerman reaches the summit of Mount Everest  
-Almut Hintze elected a Fellow of the British Academy

page7

-Dorab Mistry, OBE, elected to the European Council of Religious Leaders

page8

Gatha

-The Divine Light of Mazda in Gathas

page9

Humanity

-The Movement for Criminal Justice Reform: Honoring its True Heroes

page10

General

-The best immigrants America has ever inherited  
-Tajik Parliament considers forbidding Arabic-sounding names amid crackdown on Islam

page11

-Zoroastrian faith returns to Kurdistan in response to ISIS violence

page12

-A walk to remember: A peep into the history of Abyaneh, a small Zoroastrian village in Iran

page13

-The History of Zoroastrians after Arab Invasion; Alien in Their Homeland  
-ISIS destroy ancient Iraqi city

page14

# Editor`s note

This issue of the editor's note; is a speech that Shayan Mehrshahi gave at CZC in June of this year - 2015, on his graduation day. He was the only senior to graduate this year. His message is practical, logical and inspirational to our community. All the time and effort, that CZC and the individuals involved has invested in Sunday classes, has had great yield.

Ever since I was 8 years old, I remember attending class every Sunday at CZC. Every week I was excited to not only be with my Zoroastrian friends and family, but also to learn something new about my religion. I remember attending the winter camps and making new friends who are still a big part of my life and have helped me progress to become the person I am today. My teachers have taught me about the details of our religion and its significance. But most importantly they have motivated us students to use our good mind to make the best decisions in order to get the best results. If we continue to perform good thoughts, good words, and good deeds then we will become the best individuals we can possibly be.

Throughout the years, the teen class has participated in many volunteer activities. We learned the importance of helping others for the improvement of the community as a whole. Based on the principles of Zoroastrianism, I have chosen to view being a Zartosthi as a way of life and not necessarily; a religion. I believe this because; anyone can use their good mind and make the right decisions in order to make the world a better place.

No matter which religion you believe in, whether it is: Christianity, Islam, Hinduism; or whatever; every human being can use Zoroastrian philosophy and principles in order to progress, become a better person and help make this world a better place. Thank you.

**California Zoroastrian Center**  
Zoroastrian Journal

**Chase Bank**  
Account#  
421,334675,6

# HAPPY MEHREGAN



# COVER STORY

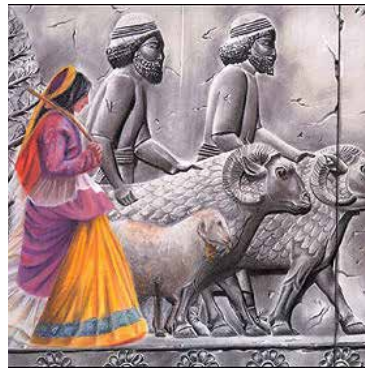
## Mehregan is the ancient Iranian Yasna/ Jashn; celebrating the autumn equinox and crop harvest

By Shahrooz Ash

**M**ithra/Mehr in the Aryaee/Iranian language means: contract, covenant, justice and friendship. Zoroastrian texts mention this. The root of the name is; mith, to meet, unite and union.



year. Mithra is mentioned in the Avesta, however, Mithra is not mentioned in the songs of Zarathushtra; the Gathas. The interesting thing is that there is no mention of a festival or celebration honoring



Some Aryan/Iranian groups believed that Mithra was a deity. Mithra's role on earth included: eradicating or defeating evil, correct tribal misconduct and keep justice amongst tribes. Mithra eventually evolved and for some became: God, Christ; the Christian deity, the symbol of the Sun, Son of God, an Angel and the name of the seventh month of the Aryan/Iranian

Mithra in any part of the Avesta.

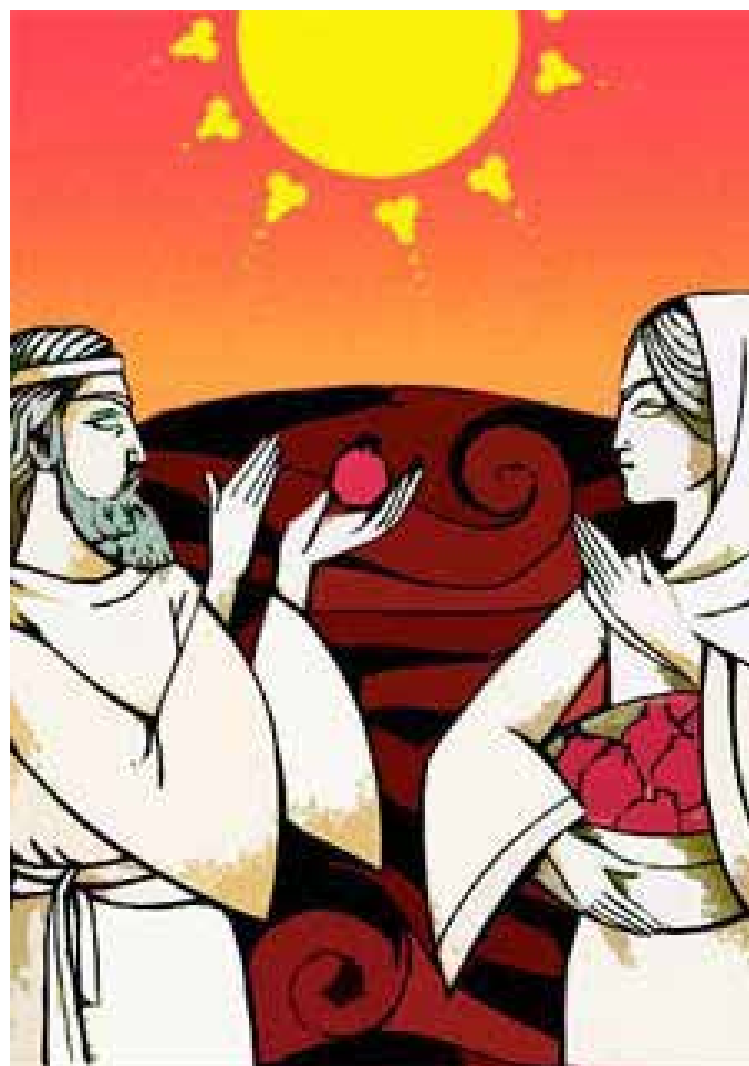
Mehregan occurs around the same period as the second equinox of the year; autumn. The first equinox, of the year is Nowruz. Mehregan celebration also ends the spring and summer farming seasons; hence, farmers harvest their crops. Persians all over celebrate this festival in the fall signifying the

harvest. According to Fasli reckoning, this occurs on October 1st. Modi (1922), p. 463, states that Mehregan should properly fall on the fall equinox (which is the first day of the seventh month), but it is usually performed on the name day of Mithra (16th day).

Mehregan was celebrated in an extravagant style at Persepolis. The king-of-kings wore a robe that was purple with gold linings and a majestic crown; symbolizing great wisdom.

Visitors from different parts of the world brought gifts for the Iranian kings, and in return, the kings presented gifts to the visitors. The whole world contributed to a lively celebration. In Iran Mehregan is celebrated with magnificence and pageantry similar to Nowruz.

Mehregan was celebrated in a secular manner amongst all cultures, regardless of race, ethnicity or nation because, the season changes from summer to autumn. People all over celebrate this festival in the fall signifying the season of harvest. Friendships are renewed, families are visited, and much good food is cooked and consumed by humans during this resting period.



# NEWS

## Muslim Kurds abandon their religion for Zoroastrianism to escape extremism

The Ministry of Endowment and Religious Affairs in the Kurdistan region announced in May that it has received a request from followers of Zoroastrianism to allow them to practice their religious rituals and help in the construction of their temples, after their numbers have increased in the region.

The ministry's spokesman, Mariwan Naqshbandi said in a statement posted on

before them), from the point of view of a conspiracy, or that the US, Israel or global Freemasonry is behind it. Naqshbandi explained that, in a period of intellectual and ideological unrest, various imported Islamic extremists have caused the majority of Muslims in Kurdistan to go towards extremism. Political and social chaos made them despair.

On 19 April in Erbil, the



his personal Facebook account that followers of Zoroastrianism appeared again in Kurdistan and made a formal request to have a representative in the ministry and open their own temples.

He explained that recent months have witnessed the return of those in public and Kurdish cultural circles, which indicates a migration of Kurdish Muslims to their old religion.

According to Naqshbandi, one of the Zoroastrian spiritual leaders had told him that their number in Kurdistan exceeds 100,000 people, and it is constantly increasing.

Commenting on the reasons why Kurds are converting from Islam, the Kurdish official said he doesn't see this emergence of Zoroastrians (and Baha'is

capital of Iraqi Kurdistan, the Supreme Council of Zoroastrians was formed to promote the Zoroastrian religion and its prophet Zoroaster.

Luqman Haji Karim, the President of the Supreme Council told Shafaq News that the Organization of Zoroastrians in Kurdistan (the Zend Organization) was founded in Europe in 2006 and transferred its activities to the Kurdistan region to apply for official acceptance to work there.

Zoroastrianism dates back to before the Common Era and was the religion of the Kurds and neighbors like the Persians. It was the official religion of the Emirates, kingdoms and empires that had ruled in Mesopotamian areas.

Source: Shafaq News

## The Wiley - Blackwell Companion to Zoroastrianism

In June, the much-awaited Wiley-Blackwell Companion to Zoroastrianism was published. Edited by Yuhan Sohrab-Dinshaw Vevaina, an eminent Zoroastrian scholar at Stanford University, and Michael Stausberg, professor of Religion at the University of Bergen, this is the first ever comprehensive English-language survey of Zoroastrianism, one of the oldest living religions.

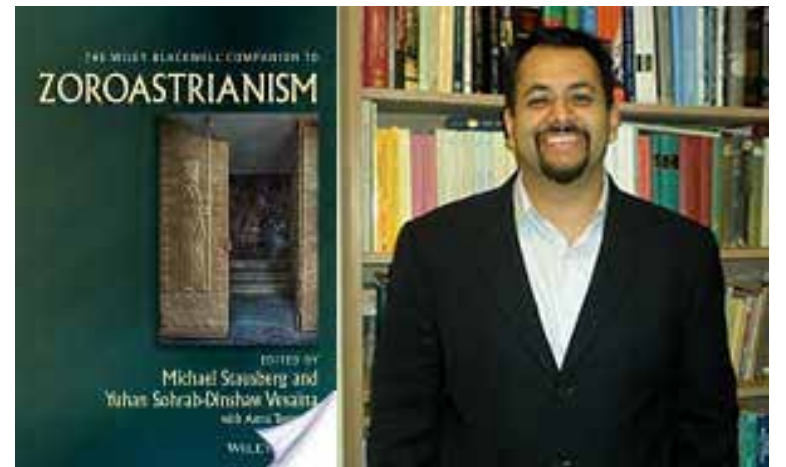
It is evenly divided into five thematic sections, beginning with an introduction to Zoroaster/Zarathustra and concluding with the intersections of Zoroastrianism and other religions. It reflects the global nature of Zoroastrian studies with contributions from 34 international authorities from ten countries.

It presents Zoroastrianism as a cluster of dynamic historical and contextualized phenomena, reflecting the current trend to move away from textual essentialism in the study of religion.

Michael Stausberg is professor of religion at the University of Bergen and a member of the Norwegian Academy of Science and Letters. His books in English include Zarathustra and

Zoroastrianism (2008), and he has published widely on Zarathustra and Zoroastrianism in German. He is co-editor of the journal Religion.

Yuhan Sohrab-Dinshaw Vevaina is a lecturer in Religious Studies at Stanford University. He is currently working on a book project on Zoroastrian hermeneutics in Late Antiquity.



## The heart of Zoroastrian community in Orange

The Zoroastrian Association of California Center, or the ZAC Center, is a temple housed in a former church on Walnut Avenue, in Orange. It has been the group's home since 2010, a community center in which the 400 members can pray, meet and celebrate.

Prior to buying the vacant church in 2010, the group was nomadic, Tehmi Damania, the Southern California association's president said. They chose to locate in Orange for two reasons: it was difficult to find property in Irvine, and Orange was more central to the spread-out

membership.

"I walked in and... felt right then that this is it," Damania said of finding the Orange spot. They bought the two-acre property for 2.6\$million.

Today the ZAC Center is on the verge of an expansion. A few months ago, the city's Planning Commission approved plans for a new building. The -1,900square-foot building will be used for prayer and meditation. It will be modeled off a Zoroastrian temple from India and include many items imported from a shuttered Indian temple,

including an urn to house the eternal fire, a marble stand for the urn and an antique Indian wardrobe currently sitting in the Hong Kong room.

Extracted and adapted from an article in The Orange County Register.



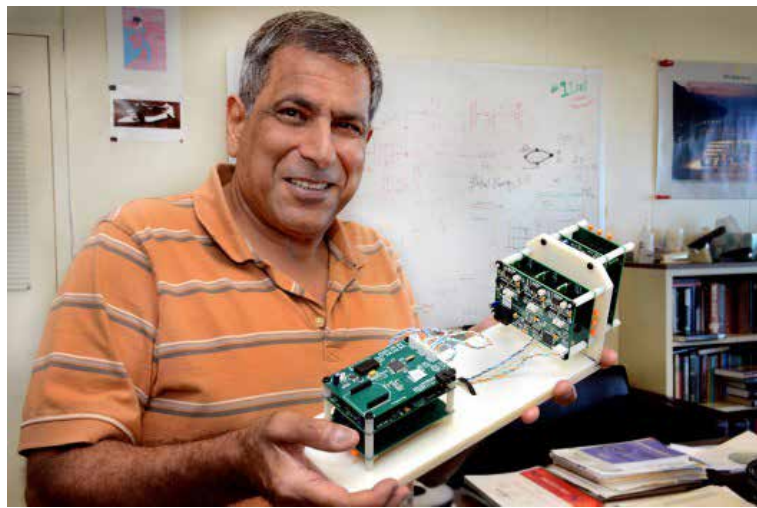


## Dr Ardeshir 'Adi' Ratan Bulsara

**D**r Ardeshir 'Adi' Ratan  
Bulsara

Dr Adi Bulsara is Distinguished Scientist/Technologist (ST) for Nonlinear Dynamics at the Navy's Space and Naval Warfare Systems Center, Pacific (SSC Pacific), based in San Diego.

He grew up in Mumbai,



in a Zoroastrian family, and loves working on "seemingly intractable physics problems". He began working at SSC Pacific in 1983. With a specialization in the physics of nonlinear dynamical systems in the presence of noise, he was one of the early proponents of the stochastic resonance (SR) phenomenon.

In 2004, Bulsara was elected to Fellow of the American Physical Society (APS) for "developing the statistical mechanics of noisy nonlinear dynamical oscillators especially in the theory, application and technology of stochastic resonance detectors."

The 2007 International

Conference on Applied Nonlinear Dynamics (ICAND), held in Kauai, was a festschrift held in his honor of his 55th birthday.

In a recent interview with Armed With Science, he was asked whether he would travel forward or backwards in time, given the choice. "The world is in turmoil, coupled with

a social order riven with the (usually adverse) results stemming from moronic politicians of every stripe, in every country," he replied. "Thus, the future could turn out pretty good...or pretty bad. Hence, I would prefer to go back in time and, instead of going to grad school, I'd study music. I love grand opera and rich romantic-era music. I'd love to go to Vienna and study conducting. I think this could all be within reach, if I could turn the clock back. But...that's wishing!"

Photo by Alan Antczak

## A Zoroastrian from Kerman reaches the summit of Mount Everest

**W**e have received news that Dr Fereshte Bakhtiari, a chemical engineer from Kerman, Iran, recently reached the summit of Mount Everest. An experienced mountain climber who has also scaled Mount Damavand, she was part of an eight-member Iranian team to conquer Everest. Dr Bakhtiari is part of the Zoroastrian group Asha, and it is believed she is the first Zoroastrian to reach the summit.

It was 62 years ago that Edmond Hillary and Sherpa Tenzing Norgay were the first to achieve the same feat. Queen Elizabeth knighted Hillary, and the world showered honors on them. Since that time, over 4,000 people have scaled the mountain, and around 250 have died attempting to.

Our congratulations go out to Dr Bakhtiari and her team.



## Almut Hintze elected a Fellow of the British Academy

**D**r Almut Hintze, Zartoshty Brothers Professor of Zoroastrianism at SOAS, was recently elected a Fellow of the British Academy for 2015.

Hintze was chosen for her outstanding research on Zoroastrianism. Her research focuses on Indo-Iranian philology and Zoroastrian literature and religion. She studied Indo-European philology at the Universities of Heidelberg and Oxford, and earned her PhD in Indo-Iranian Studies at the University of Erlangen.

After studying the semantics of "reward" in Ancient Iranian (Avestan) and Vedic Sanskrit texts in Berlin, she spent a term at the Institute for Advanced Study at Princeton. Subsequently she became Research Fellow at Clare Hall, Cambridge, and was appointed to the Zartoshty Brothers post at SOAS in 2001.

Professor Hintze was the co-curator of The Everlasting Flame: Zoroastrianism in History and Imagination exhibition at SOAS in 2013, and this summer, she taught 'An Introduction to the Avestan Language' in Pune, India. She is currently working on a critical edition and translation of the Avestan and Pahlavi Yasna, the core ritual of the Zoroastrians.

The British Academy, the UK's national body which champions and supports the humanities and social sciences, elects up to 42 outstanding UK-based scholars each year. Its purpose is to inspire, recognize and support excellence

and high achievement in the humanities and social sciences throughout the UK and internationally.

Lord Stern, President of the British Academy, said: "This year we have the honor of once again welcoming the finest researchers and scholars into our Fellowship. Elected from across the UK and world for their distinction



in the humanities and social sciences, they represent an unrivaled resource of expertise and knowledge.

"Our Fellows play a vital role in the work of the Academy; encouraging younger researchers, engaging in public discussion of the great issues and ideas of our time, and contributing to policy reports. Their collective work and expertise are testament to why research in the humanities and social sciences is vital for our understanding of the world and humanity."

Dr Hintze joins just over 1,000 scholars who have been honored as Fellows of the British Academy.

# Dorab Mistry, OBE, elected to the European Council of Religious Leaders

By Malcolm M Deboo

Members of the European Council of Religious Leaders (ECRL) met in Frankfurt, Germany between 13-11 May to debate on the future of the



inter-religious dialogue platform, bringing together European religious leaders from Judaism, Christianity and Islam with Buddhists, Hindus, Sikhs and Zoroastrians.

More than 40 religious leaders who were gathered at this meeting unanimously welcomed ZTFE past-president and honorary treasurer of the Inter Faith Network for the UK, Dorab Mistry, OBE, as a council member to represent the Zoroastrian Community. Jehangir Sarosh, OBE, the former Zoroastrian representative to the council suspended his membership to take on the position of secretary general.

On behalf of the ZTFE

Managing Committee and Trustees, I congratulate Dorab for being elected as the Zoroastrian representative to the ECRL and as the Religions for Peace International representative. Dorab's contribution to the interfaith movement in the UK on behalf of the Zoroastrian community has been legendary so this is a natural stepping stone for him to the larger European body. The ZTFE is further delighted that our veteran on inter-faith matters, Jehangir Sarosh, OBE, is the secretary general.

During its Frankfurt meeting, hosted at the

city's Jesuit university, Philosophisch-Theologische Hochschule Sankt Georgen, ECRL members discussed an action plan on tackling violent religious extremism. The action plan is intended to be implemented in conjunction with Religions for Peace International, ECRL's umbrella organization and the world's largest and most representative multi-religious coalition, bringing together religious leaders and grassroots representatives, academics and activists from more than 100 countries.

"Religion is a sublime ethical and spiritual force that aims to heal human society, provide security and peace among people

and ensure human dignity, and the rights that flow from it. However, some extremists abuse their religion, distorting its image and using it to achieve non-religious objectives. They project violent images that contradict and violate the essence of their religion," said ECRL moderator Thomas Wipf. He quoted an important statement recently released in Abu Dhabi, calling violent religious extremism "a plague to the entire world". Wipf described a multi-religious response as "a concrete and effective religious demonstration against violent religious extremism".

Katharina Von Schnurbein, European Commission Adviser for the Dialogue with Churches, Religions and Non-Confessional Organizations, was also present at the meeting. She stressed that since the Paris attacks in January, the EU commission has recognized the vital role the ECRL will play in the future of a safer Europe.

The ECRL welcomed representatives of the Interreligious Youth Forum. They expressed their disappointment that the deadline for achieving the millennium development goals has not been met, and called for a new focus on sustainable goals in the years ahead. ECRL supported their statement addressed to the G7 Summit in June 2015 in Germany. For further information, contact [sarosh@rfp-europe.eu](mailto:sarosh@rfp-europe.eu).

The European Council of Religious Leaders was founded in Oslo in 2002. ECRL brings together senior representatives

of Europe's historic religions, Christianity, Judaism and Islam, with Buddhists, Hindus, Sikhs and Zoroastrians. They address concerns affecting the wider community, including poverty, AIDS, inter-religious co-existence, disarmament, and the environment. ECRL answers to the call for action to promote peace and fruitful coexistence in the midst of an increasingly multi-cultural and multi-religious Europe.

## Were ancient Zoroastrians vegetarian?

This is the question posed by K. E. Eduljee in a monograph entitled, *Nutrition: Were Ancient Zoroastrians and Aryans Vegetarian?* (second edition published March 2015).

This monograph is part of a set of works by the author on nutrition, health and healing as described in ancient and medieval Zoroastrian texts.

Eduljee uses information from numerous sources to analyze whether Zarathushtra himself was a vegetarian. "A rare reference to Zarathushtra's (Zoroaster's) diet is contained in classical Roman author Pliny's *Natural History*," he says. "We also have comments related to diet in Zarathushtra's hymns, the Gathas, as well as in the Gathas' Middle Persian (Pahlavi) Zand translations. Given that Zarathushtra composed the Gathas, we may reasonably surmise that any allusion to diet or the killing of animals

in the Gathas reflects Zarathushtra's own principles."

He cites Pliny the Elder as follows: "It is reported that Zoroaster lived in the deserts (wilds) on cheese so temperately (moderately/frugally) for twenty years that he did not feel the effects of old age."

The author looks at the Zoroastrian diet over the centuries, and traditional recipes still consumed. A hot vegetarian soup, he says for example, called aush/aash is often served at a traditional Iranian Zoroastrian jashn. Iranians often consume simple meals of bread, cheese and herbs.

He suggests that Zarathushtra believed eating plants that do not have a soul is acceptable while killing/eating beneficent animals that have a soul is unacceptable to the tenants of the faith. In fact, he says, Ferdowsi placed the practice of eating meat under the domain of Ahriman, the lord of death.

"Perhaps the most explicit call for Zoroastrians to be vegetarian," he says, "is found in the Sayings of Adarbad Mahraspandan, Sasanian head priest, which states: 'Abstain rigorously from eating the flesh of kine and all beneficent animals (gospandan) lest you be made to face a strict reckoning in this world and the next.'"

To read the full monograph, visit: <http://www.heritageinstitute.com/zoroastrianism/reference/Nutrition-Eduljee-Complete.pdf>.

## The Divine Light of Mazda in Gathas

By Mobed Behram Deboo

The divine light of Mazda Ahura is one of themes in Gathas. Since any fire emits light and is coexistent with it, we will discuss the fire revealed by Zarathushtra in his discourses in Gathas before and after the creation. In Yasna 31.7, he says:

ýastâ<sup>1,2</sup> mañtâ<sup>3</sup> pouruyô<sup>4</sup>  
raochêbîsh<sup>5</sup> – rôithwen<sup>6</sup>  
hvâthrâ<sup>7</sup>  
hvô8 khrathwâ<sup>9</sup> dâmiş<sup>10</sup>  
ashem<sup>11</sup> – ýâ<sup>12</sup> dârayat<sup>13</sup>  
vahisstem<sup>14</sup> manô<sup>15</sup>,  
tâ<sup>14</sup> mazdâ<sup>15</sup> mainyû<sup>16</sup>  
ukhshyô<sup>17</sup> – ýê<sup>18</sup> â<sup>19</sup>  
nûrêmchît<sup>20,21</sup> ahurâ<sup>22</sup>  
hâmô<sup>23</sup>.

He<sup>2</sup> who<sup>1</sup> in the very beginning<sup>4</sup> conceived<sup>3</sup> the thought<sup>3</sup>, "Let the light<sup>7</sup> stream through the expanding spaces<sup>6</sup> to generate starry firmaments<sup>5</sup> (cosmoses)." With wisdom<sup>9</sup>, He<sup>8</sup> created<sup>10</sup> the cosmic order<sup>11</sup> through which<sup>12</sup> He upholds<sup>13</sup> the best mind (best creative, cosmic mind). This<sup>14</sup> (creation), O Mazda<sup>15</sup>, is still growing<sup>17</sup> through (your creative) spirit<sup>16</sup> which<sup>18</sup>, O Ahura<sup>22</sup> has remained the same,<sup>23</sup> indeed<sup>21</sup>, up to<sup>19</sup> now<sup>20</sup>. (B. Deboo).

In my opinion, this verse is very important as it is related to the Creation of the Cosmos. Here we see that it is the light of Mazda, along with his Thinking Mind, that created the starry heavens and the cosmic order for the whole Cosmos to function in. It

is through Asha that He upholds The Best Mind, and so he has remained the same as He was before and after the creation.

In Avesta, fire as the cosmic fire of creation is closely linked with Asha, the cosmic laws through which the cosmic order in the universe is sustained. The symbol of Asha Vahishta, the best truth or righteousness is the physical as well as spiritual fire. In Yasna 31.19, it is the glowing fire of Mazda with which He hands out justice to both the righteous and unrighteous.

In Shahnameh, Ferdowsi describes that Zarathushtra held up a censer containing a flame and said to King Vishtasp, "Look upon the heavens and the earth. God made them not with dust and water. Look upon the fire and behold therein how they were created."

In Yasna 30.1, he proclaims that if you follow the revealed mantras for Vohu Manah and Asha, we will envision the realms of light here and there. The beauty of this verse is he assures us that the mantras are revealed to him by Mazda for the welfare of the humankind.

At<sup>1</sup> tâ<sup>2</sup> vakhshyâ<sup>3</sup> isheñtô<sup>4</sup>  
– ýâ<sup>5</sup> mazdâthâ<sup>6</sup> hyatchît<sup>7</sup>  
vîdushê<sup>8</sup>  
staotâchâ<sup>9</sup> ahurâi<sup>10</sup> –  
ýesnyâchâ<sup>11</sup> vanghêush<sup>12</sup>  
mananghō<sup>13</sup>  
humâzdrâ<sup>15</sup> ashâ<sup>16</sup>  
ýaechâ<sup>17</sup> – ýâ<sup>18</sup> raochêbîsh<sup>19</sup>  
daresatâ<sup>20</sup> urvâzâ<sup>21</sup>.

O eager seekers<sup>4</sup>, now<sup>1</sup> I shall speak<sup>3</sup> to (you) these<sup>2</sup> (mantras) which<sup>5</sup> are revealed (given) by Mazda,<sup>6</sup> indeed<sup>7</sup>, for the sake<sup>7</sup> of knowing<sup>8</sup>, the hymns of praise<sup>9</sup> unto Ahura<sup>10</sup>, prayers<sup>11</sup> for Vohu<sup>12</sup> Mano<sup>13</sup>, and<sup>17</sup> good uplifting words<sup>15</sup> which<sup>17</sup>



are for Asha<sup>16</sup> (truth). And through<sup>17</sup> which<sup>18</sup> you<sup>20</sup> will have<sup>20</sup> joyful<sup>21</sup> vision<sup>20</sup> of both<sup>19</sup> the realms<sup>19</sup> of light.<sup>19</sup> (B. Deboo).

We can see that Zarathushtra teaches us a path of enlightenment. Thus, he is sharing the Divine attributes with us and how to reach to that highest culmination point.

In Yasna 28.2, he talks about the wellbeing in both the existences, physical as well as spiritual:

O Mazda, I who approach you through Vohu Manah, the good mind, would like you to grant me the rewards leading to the enhancements of wellbeing in both the existences (worlds), the physical and that of mental (spiritual) through the law of righteousness and through which You lead your supporters (seekers, faithful) to the abode of Light.

In the above verse, we see that Zarathushtra connects every one with oneness of light by showing a way to be enlightened and leading them to the sovereignty of light, unlike other religious scriptures where man's destiny depends on the founder or deity alone. In Yasna 32.2, Ahura Mazda is a good friend of sun-like truth. It means the real truth is like the rays of light of the sun. Thus, light is the symbol of Asha, truth.

In Yasna 30.5, Zarathushtra requests us to choose Spenishta Mainyu (the most holy spirit) who is clothed in the hardest stones (imperishable light of the firmaments) to perform the righteous deeds which will please Ahura Mazda. Spenishta Mainyu is the most creative, imperishable cosmic energy of Mazda. And it is light. In a similar manner, this idea is very well echoed in Yasna Haptanghaiti 36.3. In fact, Yasna 36 is composed and dedicated to the fire

in Gathic Avesta by the disciples of Zarathushtra during his life or closely after his death.

In Yasna 31.3: And grant the bliss which you have promised to both the devoted followers through the spiritual fire of (yours) and Asha. Afterwards both will have that wisdom of discernment of the rules. O Mazda, speak to us, for (our) knowing, with the tongue of Your (Thy) mouth, so that I may convert all the living to believe. (B. Deboo)

In Yasna 34.4 of the Ahunavaiti Gatha, Zarathushtra says we long for your strong fire of thought which guides clearly and brings joy.

In Atash niyaesh, we pray we revere the fire of Ahura Mazda which is the giver of good things and the highest Yazata. Then fire is made 'the son of Ahura Mazda'. In Gathas, Zarathushtra does not define fire as Mazda's son but refers to the fire as "Thwa athra sukhra" meaning Your radiant, blazing fire. It is the Mazda's fire which started time and space when the creation began. As one astrophysicist said, "We are children of the star dust."

In the end, I would say Zarathushtra is not content with his own illumination. He wants his followers to achieve the same luminosity of the soul as he attained. That is the greatness of Zarathushtra unparalleled and incomparable in the history of humanity.

# HUMANITY

## The Movement for Criminal Justice Reform: Honoring its True Heroes

By: Dr. Niaz Kasravi

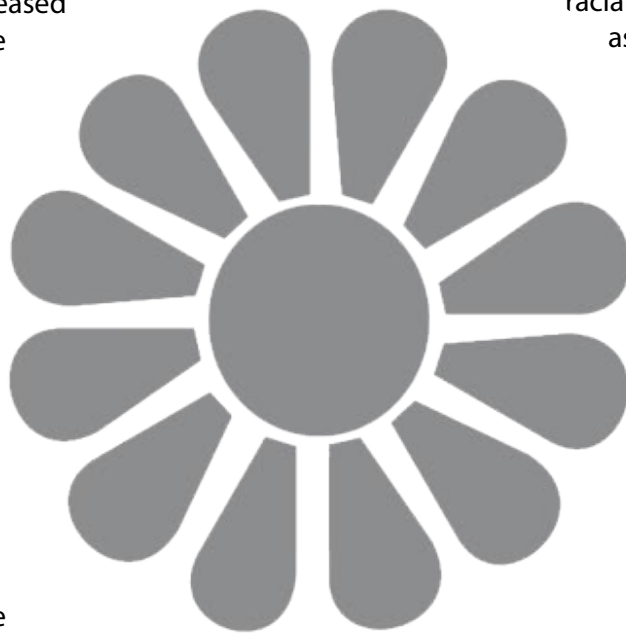
Criminal justice reform has been making big headlines in recent months. In July, the President's speech at the NAACP and his visit to El Reno Correctional Institution was not only the first time in history that a sitting president visited a federal prison, but also marked first time that a plan to overhaul America's criminal justice system was publicly presented by the Commander in Chief. Granted, nothing will change much unless words are turned into action and the advocacy community dedicates itself to a coherent and strategic campaign to hold the president to his word. Nonetheless, in the eyes of those who have been fighting to end mass incarceration and reform America's broken system of justice, these developments are a hopeful sign that the tide is turning.

Leading up to these events, in the last few years, governors from traditionally conservative states have all been signing criminal justice reform bills into law, and unlikely allies like the Koch brothers, Newt Gingrich and Pat Nolan have also jumped on the bandwagon to end mass incarceration and fix America's system of justice. But to understand what has led to this turn of events, we must recognize the context in which they are taking place. In the last three plus decades, the U.S. has been diligently committed to and spent billions of dollars on

(in recent years, roughly 80\$ billion annually) becoming the world's number one incarcerator. This country boasts 5 percent of the world population but houses 25 percent of its prisoners. Despite the decades-long «tough on crime» and «war on drugs» strategies that have consumed this nation, crime rates have not decreased to the level that one would expect, and drug use and abuse remain steady and continue to plague many communities across the nation. And although over the last several years, there has been a gradual decline in crime rates, there is no evidence linking the enormous number of people behind bars to the limited and gradual reduction in crime statistics.

To create a perfect storm, the major financial crisis in which many states and the federal government have found themselves has led fiscal conservatives and libertarians to join the more progressive and liberal voices in the call to reduce mass incarceration in America. States as unlikely as Georgia, Texas, Mississippi and South Carolina (among nearly two dozen others) have passed a host of reform measures aimed at reducing

prison populations, and a bi-partisan supported criminal justice reform bill, the SAFE Justice Act, is quickly gaining momentum and looking likely to pass in Congress. In fact, criminal justice reform has become as close to dinner-table conversation as we have ever seen and is set to be a centerpiece of the upcoming presidential campaign season. It is not a bad thing that there are unlikely allies who now see themselves as stakeholders in the movement to reduce mass incarceration. In fact, it is welcome change to see



agreement on at least one issue by American elected officials from across the aisle. What is problematic is how the reforms that will eventually happen as a result of this new coalition are framed, what aspects of this broken system these reforms will truly change, and to what and whom will the upcoming success be attributed.

First, much of the dialogue in this new bi-partisan campaign focuses on the fiscal irresponsibility associated with mass incarceration. Talking points

such as, «It costs nearly 48,000\$ to send a child to prison, but 12,000\$ to send him/her to school,» have become as common as the «tough on crime» rhetoric once was. But what this new wave of advocates often fail to address is the gross racial disparity that permeates the entire system of justice from start to end. Communities of color have always borne the brunt of the system -- from being disproportionately targeted and killed by law enforcement, to being disproportionately arrested and sentenced to longer terms, and even to disproportionately receiving the death penalty. In their failure to recognize racial discrimination as an inherent and fundamental problem of the system, these advocates miss a viable solution to the problem: if we address and fix the racial bias in our system, we would reduce the prison population by nearly half.

Second, as evidenced by the infatuation of the American media and the public at large with newly-found conservative allies in this movement, we as a society are being dishonest about who deserves recognition for helping this country reach a point where reforms are finally possible. If ultimately this new turn of events lead to a drastic reduction in prison populations, and a reframing of drug crimes as a public health and not a criminal justice problem, we will all have won regardless of who claims «credit». But we must be true to ourselves, true to

the history of this nation, and true to the memory and lives of those on whose backs this movement is built.

Long before Newt Gingrich or the Koch brothers came to the table, long before Rand Paul threw his weight behind an overhaul of the criminal justice system, and before President Obama declared this as a priority issue, organizers and grassroots activists from communities most impacted by crime and incarceration -- communities of color and poor communities -- lay the groundwork for this reform movement. Those who laid this foundation continue to pay a steep price, because it is they who are disproportionately targeted by police, they who are being arrested and sentenced to lengthier sentences, and they who face barriers to reentry and suffer the devastating collateral consequences of incarceration -- consequences that have generational impact. This movement was built by those who have organized to end mandatory minimums since they were implemented in the 1980s and 90s, by communities who continue to organize and call for police accountability, by advocates who have for over four decades fought to end the unjust and ineffective war on drugs, by those who have committed themselves to removing barriers to reentry for those with criminal records, and by the youth who started and are building the Black Lives Matter movement -- youth whose parents and predecessors made the civil rights movement a reality. I have spent countless hours working alongside family

Continue on General section on page 12

# GENERAL

## The best immigrants America has ever inherited

Iranians are among the most educated, most contributing, most tax-paying and most law-abiding immigrants that the United States of America has ever witnessed.

According to extrapolated 2000 and 2010 US Census data, subsequent reports and other independent survey analyses carried out by think tanks, it is estimated that there were up to 1.5 million Iranian-Americans living in the US in 2012, with their largest concentration – about 700,000 people – residing in Greater Los Angeles. A recent NPR report put the Iranian population of Beverly Hills at as high as 20 percent of the total population. Other large communities (of over 100,000 people) can be found in New York, New Jersey, Washington DC, Seattle, Boston and Houston/Dallas.

Iranian communities in the US also have a very diverse religious population. Iranian-American Baha'is, Armenian-Assyrian Christians, Jews, Zoroastrians, mystics, Muslims, Spiritualists and humanists are eminently present in every community.

According to Census ,2000 50.9 percent of Iranian immigrants had attained a bachelors degree or higher,

compared to 24 percent of the total foreign-born population. According



to the latest census data available, more than one in four Iranian-Americans hold a master's or doctoral degree, the highest rate among 67 ethnic groups studied.

The Small Business Administration (SBA) recently conducted a study that found Iranian immigrants among the top 20 immigrant groups, with the highest rate of business ownership, contributing substantially to the US economy.

Almost one in two Iranian-American households has an annual income exceeding 100\$K, compared to one in five for the overall US population. According to a study carried out by the Iranian Studies Group at Massachusetts Institute of Technology, Iranian scientists, engineers and businesses in the United States own or manage around one trillion

dollars. Iranian-Americans are, however, present in every sector of society. Today in the United States, there are nearly 10,000 physicians of Iranian heritage who have their own practices and/or work in medical institutions.

It is also estimated that the

total number of professors of Iranian heritage who teach and research in higher education institutions in the United States is approaching 10,000. In fact, one would be hard pressed to find a single American university or college where there isn't an Iranian-American professor serving. What is most striking is the majority (more than 75 percent) of these professors serve in the top 200 of the 4,000

universities and colleges in the nation.

It is also possible that Iranian-Americans are the most law-abiding ethnicity in the US. The rate of allegations or even convictions for major or even minor (misdemeanor) crimes in the Iranian-American community ranks as the lowest for any community, immigrant or otherwise, in the history of the US.

## Tajik Parliament considers forbidding Arabic-sounding names amid crackdown on Islam

By Lora Moftah

Tajikistan may ban Muslim-sounding names amid a growing fear of Islamic radicalization in the former Soviet republic. President Emomali Rahmon has instructed the country's parliament to consider a bill that would forbid the justice ministry from registering names with Arabic origins, officials said in May.

"After the adoption of these regulations, the registry offices will not register names that are incorrect or alien to the local culture, including names denoting objects, flora and fauna, as well as names of Arabic origin," said Jaloliddin Rahimov, a justice ministry official, according to the Russian nongovernmental news agency Interfax.

While the bill would apply only to babies born after it is signed into law, there is also a growing push by parliamentarians to encourage those with Arabic-sounding names to change them to those that are traditionally more Tajik.

The growing popularity of names associated with Islam, such as Aisha, Asiya and Sumayah, as well as the addition of traditionally Islamic suffixes at the ends of names, including -khalifa and -amir, have left authorities in the Muslim-majority country uneasy.

The government recently stepped up a crackdown

on devout Muslims, which has included restrictions on who can make the hajj pilgrimage to Mecca in Saudi Arabia and on outward signs of religiosity, such as beards and hijabs. Some devout Muslim men have complained of forcible beard shavings by security services, with officers reportedly telling detainees that having



beards was against "state policy", Agence France-Presse reported in April.

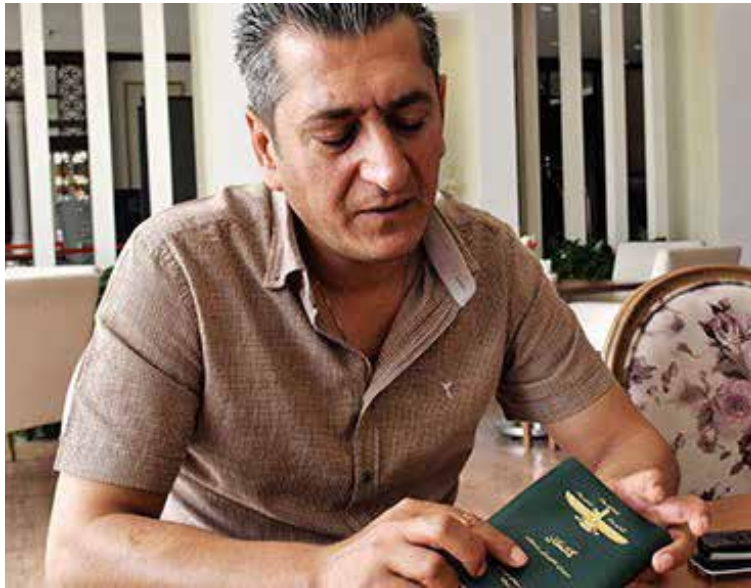
Among the factors behind this campaign is a fear that the impoverished country has become a recruiting ground for extremists, especially after a video surfaced this year of Tajik Islamic State group militants calling for jihad against the government. The threat has become pronounced enough that Russia recently announced it was preparing to deliver 1.23\$ billion in military aid and equipment to the country to help combat the growing danger of the militant group formerly known as either ISIL or ISIS.

Despite its sweeping crackdown on Muslim religious expression in the country, the Tajik state has denied targeting Islam, pointing to its plans to build the biggest mosque in Central Asia, which is designed to hold as many as 100,000 worshippers.



# Zoroastrian faith returns to Kurdistan in response to ISIS violence

By Judit Neurink



“He was not sent by God as his representative. He was contemplating existence and the universe. Zardasht was a human being full of wisdom. For me he is a prophet, but he brings a philosophy he found himself,” he said.

He pointed to the little

to go back to the roots; from various levels in the community; professors, politicians and normal people. Hundreds of thousands are interested and this is increasing.”

Sharif said councils have been established in the

prohibited, Sharif and his group have decided to work out in the open.

“Kurdistan has passed the era of secret practice. We follow the rules and legislations. If we are supported by law, hopefully it will protect us. All the religions have the



After over a millennium, the Zoroastrian faith is returning to its original habitat. The Ministry of Religion in the Iraqi Kurdistan capital Erbil has registered the religion, locally known as Zardashti, and suggested to the Kurdish government the ancient faith should be given its own directorate general and its believers be allowed to build new temples.

“Now it’s time,” says Nouri Sharif, one of the initiators of the movement that established a Zoroastrian organization in Europe in 2006 and in March announced in Erbil its official return to Kurdistan. In April, a Supreme Council of Zoroastrians in Kurdistan was founded.

Already active in Iran and India, the movement claims to have some 100,000

followers in Iraqi Kurdistan. This is mainly a reaction to the violence committed by the Islamic State, according to Sharif during an interview in a café in Kurdistan’s second city Sulaimani.

“People see something is imposed on them. They have witnessed suffering from another belief. Now it is the time for our destiny, because we are exhausted. We haven’t seen any good deeds from Daesh, it only gives us death and violence,” he said using Daesh, the Arabic acronym for ISIS.

Zoroastrians follow Zoroaster, also known as Zarathustra or locally as Zardasht, who probably lived in the 17th century BC. He was not a prophet like those known in Islam and Christianity, Sharif stressed.

green book in front of him on the table. “This book is a summary of his thoughts. A hundred questions that he raised on: existence, religion, God and the universe. It’s not God’s word, but that of humans,” Sharif continued.

Sharif returned five years ago to Sulaimani from Germany to start work on bringing back the religion to Kurdistan, and printed a selection of thoughts to be used for this task. They are taken from the main book of the faith, Avesta.

Already the Zoroastrians have centers in: India, Europe, America and Iran. “We plan to open a third one in Sulaimani. Seminars were held in different towns across Kurdistan, where many people participated,” Sharif said. “Amongst Kurds there is a great level of enthusiasm

big cities, but his group is waiting for the licensing process to finish so it can open a center for people to visit.

Temples will be opened too, or in the vocabulary of the faith *attashga*, which means fire house.

“They should be opened on the original locations, like in Darbandighan, Shaklawa, Soran, Chami Rezan, Qishqapan—the king that was buried there was a Zardashti,” Sharif claimed. “We have history to guide us, and will renovate old places.”

But for the moment the group is focused on culture and heritage. Even though reviving this pre-Islamic religion and convincing people to leave Islam might enrage Muslims who consider this to be

right to call for worship,” he said.

Even so, he knows it could be dangerous.

“We have made our decision, and this cause demands sacrifices. They can only kill and commit violence,” Sharif said referring to Muslim radicals like ISIS. “They could bring arguments, but they do not have the wisdom, that’s why they resort to killing. We are not afraid of them. Their religion is backward.”

Sharif expects that even though the vast majority of Kurds are Muslim, they can live together in peace. “We believe in peaceful coexistence. There is no violence in the origin of our culture. This is another wisdom; by Zardasht, who says: ‘I will not draw my sword in troubled times, but light a candle.’”



## A walk to remember: A peep into the history of Abyaneh, a small Zoroastrian village in Iran

By Mira Pawar

**D**uring my recent visit to Iran, I had the opportunity to visit an astounding Zoroastrian village called Abyaneh, in the central district of Natanz county, Isfahan province.

Zoroastrians in Iran have had a long history and are the country's oldest religious community that has survived to the present day. This village is known for its traditional feasts and ceremonies. The history of this place dates back to the Sassanid dynasty which ruled Persia for 400 years until the Arab invasion in 651 AD. The village has a small population of 306.

As I walked down through the village, I noticed narrow and sloped lanes with houses located on the slopes. The houses seemed like they were placed on a stairway. The roofs of some homes

played the role of courtyard for other houses. The walls of the buildings are made of clay and appear rusty red in color, due to the rich soil of ferrous oxide. The windows and doors are made of wood, and every door has two door knockers – one for men which is heavier and makes a strong sound, and the other one for women, which makes a lighter sound. This way the visitor can be identified as a man or a woman.

The source of water in Abyaneh is from the river of Barzrud. The climate is mostly cold. It has a prolonged spring season, creating suitable conditions for agriculture. The main agricultural products grown in Abyaneh are wheat, barley, potatoes and fruits such as apples, pears and apricots. Of late, carpet weaving has also become popular in the village. The natives of

Abyaneh are believed to be highly educated. Most of them are engineers and doctors who work in cities like Kashan and Tehran. The language spoken there is Parthain Pahlavi, a different dialect of Farsi.

I was fascinated to see men and women still wearing traditional costume despite pressure from the government to change. Contrary to the other parts of Iran where the ladies don the black chador, the ladies in Abyaneh wear a costume which consists of a white scarf with floral design that covers their shoulders, extending to the waist. Below that they wear a pleated skirt/pant. The women here are emotionally attached to their wedding gowns that they pass from mother to daughter and are in turn expected to pass it on to their daughters. Men wear a felt hat, a long garment called a ghaba, a pair of loose pants and a pair of special shoes called giveh.

I happened to notice a Zoroastrian fire temple in the village dating back to

the Sassanid period. One of the mosques has an

I am not a Zoroastrian, but I was equally excited stepping



inscription on its door which specifies that it dates back to the early Safavid period (approximately from 1501 to 1722).

The original fire temple that has preserved the flame continuously since 470 CE is however, located in Yazd, the capital of Yazd province in central Iran, which has the largest community of Zoroastrians. Yazd is a very sacred place for Zoroastrians because the temple is located here. Once in lifetime a visit to this place for Zoroastrians is considered very fortunate.

foot on this land of the Ateshkadeh fire temple.

UNESCO has proposed Abyaneh be included in its list of World Heritage Sites. However, as per some reports, there is a proposed hotel construction in the pipeline and therefore this status seems to be at risk.

Abyaneh is located about 327km from Tehran and can be reached by road via Kashan.

Source: The Hans India (March 2015 ,15)

continue of Humanity section from page 9

members who have lost their sons and daughters to this system. I have sat on panels with the parents of Trayvon Martin and Jordan Davis, who courageously and eloquently advocate for change despite a heavy burden and grief that no

parent should ever face. I have sat in a small living room in Rockford, IL as the mother of Mark Anthony Barmore showed me pictures of her young son, before he was gunned down by police (he was unarmed) at a church in front of a daycare full of kids. I have spent decades working with formerly incarcerated

people and their families who, despite their personal struggles, make it a priority to fight and change the system so that others don't suffer as they have. Thus, I hope that when we reach success, when a federal bill to reform the criminal justice system is signed into law, when states and the federal government

celebrate a major reduction in incarceration, when there are substantial reforms in police practices -- I hope that at that point we stand proud, not with those who came to the table because they felt the pinch in their wallets, but with those who gave this movement everything they had when it was not the hot topic of

the day, when it was not important just because it was costly. We must honor those who did and continue to do this work because they know it is, in the end, an issue of moral responsibility and not one of financial viability. Follow Dr. Niaz Kasravi on Twitter: [www.twitter.com/niazkasravi](http://www.twitter.com/niazkasravi)

# The History of Zoroastrians after Arab Invasion; Alien in Their Homeland

Part 3 (continuation: Fall 2014 & Spring 2015 Zoroastrian Journal)

Now, after centuries of suffering, the Zoroastrians began to enjoy the breeze of relative freedom and even under the unequal opportunities they proved their talents and abilities. One businessman, Jamshid Jamshidian known as Arbab Jamshid founded a trade center in the capital city of Tehran. He was well respected for his honesty and success even by the Qajar Kings. The notes of Jamshidian center generally were regarded and accepted as bank notes. Another Zoroastrian family, Jahanian, established a business center in Yazd. They expanded their business and even opened a branch office in New York. The public also accepted the notes of the Jahanian Center as bank note. The five brothers were planning to found the first Iranian National Bank. But the assassination of one of the brothers, Parviz, forced them to abandon the plan. Iranian public, generally held the British responsible for the assassination, believing that they did not want the Iranians to establish and own banks. Due to the unstable national economy, the two business centers at the end went bankrupt. The revolution for the establishment of constitutional monarchy took place in 1909 A.D. And the Qajar King (Mohammad Ali Shah) was ousted and his young son, Ahmad Mirza was installed King by the revolutionaries. The Zoroastrians were active in this revolution and one of them, Fereidoun Fereidounian was martyred. The new constitution officially recognized the Zoroastrians as a minority entitle to one Parliamentary deputy. The

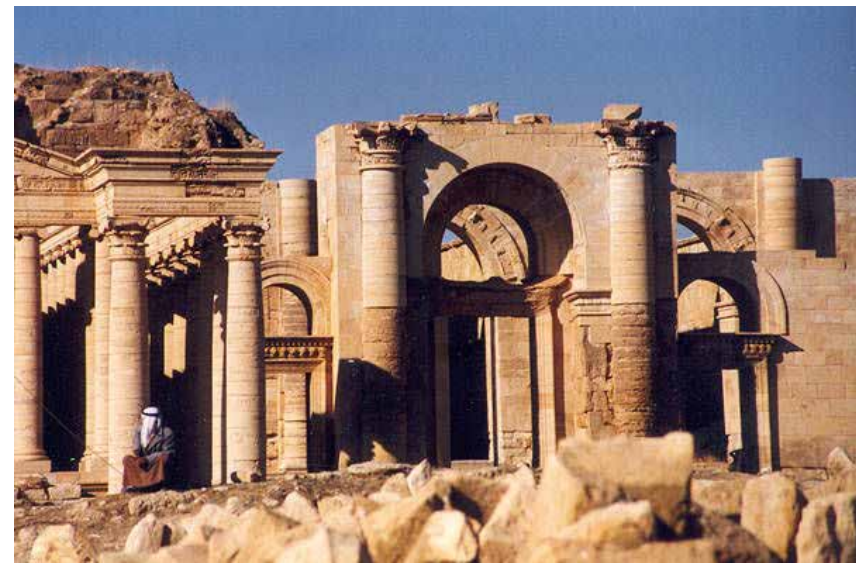
first elected deputy was Jamshidian, who after one term, voluntarily withdrew and the next deputy, a young energetic politician named Keikhosrow Shahrokh was elected who was trusted and respected by the Moslems as well as Zoroastrians. Shahrokh many times reminded the people "Although I have been elected by the Zoroastrians, but in the Parliament I am a representative of the whole nation." Once a deputy name Modarres, who was a powerful clergy said, "If I can name one true Moslem, that will be Arbab Keikhosrow," Because of his honesty, during the famine he was appointed as the director of the central silo. In this capacity he encouraged all the landowners to sell their crops at a reasonable price to the silo. When Ahmad shah asked for an unreasonably high price, Shahrokh reminded the king: "His majesty, do you recall what you said when you took the oath of office at the inauguration of Parliament? That you always think and act for the welfare and prosperity of the nation?" Pahlavi Era Shahrokh was an active member of the Majlis during the events that led to the accession of Reza Shah to the Persian throne. Reza Shah a true nationalist picked up "Pahlavi" as the dynasty's surname and emphasized the Persian nationalism. The pre-Islamic history, Keyanian, Pishdadian, Achaemenian, Parthian, and Sassanian were taught in the schools and Iranians were given a new sense of identity and a fresh direction. The Persian vocabulary was refined from many Arabic words and replaced by pure Persian vocables. Schools, roads,

national railroad, factories and universities were built. The first chair of the Avestan studies was established in the University of Tehran, school of literature, under the directorship of the late Professor Pour Davoud who reintroduced the Avesta to the Iranians and after him one of his students the late Dr. Bahram Fravashi chaired the section. When Professor Pour Davoud passed away, a Tehran newspaper wrote: "the service of the professor to the nation is not less than that of Yaghoub Lisse who defeated and forced the Arabs out of Iran." Shahrokh remained a trusted confidant of Reza Shah. When the building of Iranian Parliament was consumed by fire, Reza Shah looking for an honest and trusted man to carry out the enormous project of reconstruction, appointed Shahrokh for this task. On the inauguration of the new building, Reza Shah was so much impressed that he told, "Arab Keikhosrow" although Arbab is redundant (He did not like titles), but Keikhosrow let me tell you, that destruction was well worth this construction." After Shahrokh, Mr. Rustam Guiv was elected to the parliament and later to the Iranian Senate, whose generosity has enlightened many Zoroastrian communities around the world. Next deputy was Dr. Esfandiyar Yeganegi an economician and founder of an irrigation company who was respected by the whole nation for his generosity and charitable works. In 1932 a Parsi delegation met with Reza Shah and expressed their appreciation for all the achievements, he replied "all that you have said is correct, whatever I have done is for my country, but you tell me what can you do for your original homeland." The Shah invited Parsis to come and settle in the country of your ancestors. We will welcome you with open arms.

To be continue

## ISIS destroy ancient Iraqi city

In March of this year, Kurdish sources reported that the Islamic extremist group ISIS had begun bulldozing the -2,300year-old UNESCO World



Heritage site, Hatra in Iraq.

The group is bent on destroying false idols that violate its strict interpretation of Islamic Law. ISIS, which has control of one-third of Iraq and Syria, has been destroying ancient relics that they say promote idolatry, and some authorities also believe that it is selling some of the ancient artifacts on the black market to fund its activities.

Hatra, located 68 miles southwest of Mosul, was a large fortified city during the Parthian Empire and also capital of the first Arab kingdom. The site is said to have survived invasions by the Romans in AD 116 and AD 198, due to its high, thick walls reinforced by its more than 160 towers.

In April, a video showed Hatra under attack by ISIS jihadists wielding sledgehammers and Kalashnikov rifles. A militant on a ladder banged a carved face with a sledgehammer until it crashed to the ground and broke into pieces, while

others chopped away at the bases of some of the larger wall sculptures. One of the militants declared that they were destroying the site because it is "worshipped instead of God".

Local government officials told the Associated Press earlier this year that ISIS had been responsible for looting and destroying several ancient sites, including the -3,000year-old city of

Nimrud, another UNESCO World Heritage site. United Nations Secretary General Ban Ki-Moon called the Nimrud attack "a war crime".

Another video showed militants smashing artifacts in the Mosul Museum, many of which were from Hatra. They were also responsible for burning hundreds of books from the Mosul library and Mosul University, including many rare manuscripts.

UNESCO and ISESCO issued a joint statement saying, "With this latest act of barbarism against Hatra, [ISIS] shows the contempt in which it holds the history and heritage of Arab people."



## EZZATI | LAW P.C

Result Driven With a Commitment to Putting Clients First



Hormuzd H. Ezzati, Esq  
CA Realtor-Broker #01896572

### Family based petitions/Visas

- \* H1-B specialty occupation Visas
- \* L1- intra-company transferee Visas
- \* E2- investor Visas
- \* Business plan preparation
- \* Incorporation of entities
- \* EB5- immigrant investor based Green Cards
- \* Deportation and Removal Hearings
- \* Judgment Collections
- \* Business Transactions

As a Real Estate Broker

I can help you purchase/ lease your home or office

### For a free initial case evaluation contact

c: 1975-801-310 | f: 3780-528-949 | e: henry@ezzatilaw.com

Office Languages: Farsi, English, Armenian, Arabic, Russian, conversant in Gujarati/Dari

[www.ezzatilaw.com](http://www.ezzatilaw.com)

## جشنواره جنبش نوزاد ایرانیان

در کنار هم روزگوش، آباخان و دومین ساگرد جنبش را  
با سکو و شادی برپا می کنیم

شنبه ۳۱ اکتبر و یکشنبه ۱ نوامبر، در هتل هیلتون ارواین

در برگیرنده سخنرانیهای کوتاه و آموزنده

بهمراه برنامه های هنری و شادی آفرین

یک شب گرد همایی بزرگ جنبش، شنبه ۳۱ اکتبر از پسین

تا نیمه شب، با برخورداری از هنر خوانندگی، خنیاگری

و دست افشانی و پایکوبی هنرمندان برگزیده

کسانی که برای بودن در جشن نام نویسی کرده باشند میتوانند

از نرخ ویژه و ارزان این هتل بهره مند شوند

تماس برای نام نویسی و آگاهی بیشتر 231-2290 (949) +1

iranianrenaissance.com  
iranrenaissance



**Armin**  
Evergreen Realty  
Armin Ghaiby  
Realtor  
(949) 266-6565

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از شما درخواست می کند  
که نوشتارها، فرتورها (عکس) و پیشنهادهای خود را به نشانی

[info@czcjournal.org](mailto:info@czcjournal.org)

برای نشریه مرکز بفرستید. نوشتارها و

فرتورهای برگزیده با نام فرستنده چاپ خواهد شد.

در تارهای

[www.czcjournal.org](http://www.czcjournal.org)

میتوانید نشریه های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را ببینید.

ماهنامه زرتشتیان آگهی می پذیرد ۷۱۴-۸۹۳-۴۷۳۷

## Graphic Designer Keikhosrow Yektahi

Awarded for best director and best movie  
in Iran animation festival (2010)

- \* Business Cards & Logo Design
- \* Letter Heads & Brochure Design
- \* Photography
- \* E-mailer Design or Banner Design

Email: [keikhosro\\_art@yahoo.com](mailto:keikhosro_art@yahoo.com) Tel: 949 2787675  
Web Site: [keikhosroart.wix.com/kaynew](http://keikhosroart.wix.com/kaynew)

